



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرأیا
علیها یصیب
العیوب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مرکز امور علمی و تحقیقاتی و انتشارات دانشگاه تهران

مروارید عفاف

کاوشی در جای غیرت و عبا

بیسین سمانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مروارید عفاف (کاوشی در حیا ، غیرت و حجاب)

نویسنده:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	مروارید عفاف (کاوشی در حیا، غیرت و حجاب)
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۶	دیباچه
۱۸	پیش گفتار
۲۲	فصل اول: بایسته های پوشش و عوامل بی حجایی
۲۲	اشاره
۲۳	پرهیز از تحریک مردان
۲۴	تأثیر حیا، بر پوشش بانوان
۲۴	اشاره
۲۶	۱. ضعف ایمان
۲۷	۲. هوس رانی
۲۷	۳. جلب توجه دیگران
۲۷	۴. دگر آزاری
۲۸	۵. غرب زدگی
۲۸	۶. پل زدن به ازدواج
۲۹	۷. فخر فروشی
۲۹	۸. تبلیغات استعماری
۳۰	۹. وسوسه های شیطانی
۳۱	۱۰. سرزنش دیگران
۳۱	۱۱. مدگرایی
۳۲	۱۲. ضعف غیرت

۳۲	۱۳. عدم نظارت سیاست گذاران فرهنگی
۳۳	۱۴. خانواده سهل انگار
۳۳	۱۵. ضعف حیا
۳۵	فصل دوم: تأثیر حیا بر پوشش بانوان
۳۵	اشاره
۳۵	مفهوم شناسی حیا
۳۶	ضرورت حیا برای بانوان
۳۷	آثار و فواید حیا
۳۷	اشاره
۳۷	۱. پاک دامنی
۳۸	۲. سلامت روان
۳۸	۳. حفظ شخصیت آدمی
۳۸	۴. ادب
۴۰	عوامل تضعیف حیا
۴۰	۱. بی توجهی نسبت به حیا
۴۰	۲. بی حیایی والدین
۴۰	۳. رسانه های جمعی
۴۲	ارتباط پوشش و حیا
۴۵	فصل سوم: ضرورت ها و بایسته های غیرتمداری
۴۵	اشاره
۴۵	معنای غیرت
۴۶	غیرت؛ یکی از جلوه های مردانگی
۴۷	غیرت اجتماعی
۴۸	مبانه روی در غیرت
۴۹	وظیفه مسلمانان در پاسداری از زنان و دختران
۵۰	غیرت مداری در روایات و سیره معصومین علیهم السلام

۵۳ اقسام غیرت

۵۳ اشاره

۵۳ الف) غیرت در دین

۵۳ ب) غیرت نسبت به نوامیس (فرزندان و خویشان و هم کیشان)

۵۷ ج) غیرت در مال

۵۸ فصل چهارم: عوامل مؤثر در سست شدن فرهنگ حجاب و پی آمدهای آن

۵۸ اشاره

۶۰ ۱. تبیین نشدن فرهنگ ناب اسلامی

۶۰ ۲. تبیین نشدن فرهنگ حجاب در جامعه

۶۱ ۳. بالا رفتن سن ازدواج

۶۱ ۴. نبود ساختار صحیح برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر

۶۲ ۵. کاستی در معرفی الگوها

۶۴ ۶. کم رنگ شدن نقش خانواده ها

۶۵ ۷. تلاش ناکافی در ایجاد محیط سالم اجتماعی

۶۶ ۸. ناآشنایی با فلسفه حجاب

۶۷ مهم ترین آسیب ها و پی آمدهای بی حجابی

۶۷ ۱. عقده مند کردن مردان

۶۷ ۲. سقوط شخصیت زنان

۶۷ ۳. تزلزل خانواده ها

۶۷ ۴. بلوغ زودرس جنسی

۶۸ ۵. بدآموزی

۶۹ فصل پنجم: بایسته ها و راه کارهای ترویج فرهنگ حجاب

۶۹ اشاره

۶۹ ۱. آموزش حجاب در مدارس

۶۹ ۲. تشویق

۷۰ ۳. فعالیت های علمی، فرهنگی و هنری

۷۰	۴. تقویت فرهنگ غیرت
۷۱	۵. نظارت بر رسانه های جمعی
۷۱	۶. فعالیت قوای سه گانه
۷۲	۷. احیای امر به معروف و نهی از منکر
۷۲	۸. معرفی پوشش های متناسب
۷۲	۹. تقویت باورهای دینی با احیای فرهنگ ناب اسلامی
۷۳	۱۰. باطن گرایی و سیرت گرایی به جای صورت گرایی
۷۴	۱۱. معرفی و شناساندن الگوهای زن مسلمان
۷۷	۱۲. توجه دادن به مسئولیت انسان در برابر اعمال خویش
۷۹	۱۳. بازنمایی مصونیت ها و فواید حجاب
۸۲	فصل ششم: سخنی با زنان و دختران مسلمان
۸۲	اشاره
۸۲	۱. نحوه سخن گفتن
۸۳	۲. لباس زن در خارج از منزل
۸۵	۳. کفش زنان مسلمان
۸۶	۴. پاسداری از دیدگان خود و نگاه دیگران
۸۸	فرجام سخن
۹۱	فهرست منابع
۹۳	درباره مرکز

مروارید عفاف (کاوشی در حیا، غیرت و حجاب)

مشخصات کتاب

مروارید عفاف: کاوشی در حیا، غیرت و حجاب

کد: ۱۱۴۶

نویسنده: سیدحسین اسحاقی

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

با همکاری دفتر امور زنان و خانواده سازمان صدا و سیما

ویراستار: محمدصادق دهقان

صفحه آرا: اکرم سادات بنی زهرا

چاپ: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۶

شمارگان: ۴۰۰۰

بهاء: ۷۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب.....	۳
دبیاچه.....	۱
پیش گفتار.....	۳
فصل اول: بایسته های پوشش و عوامل بی حجابی.....	۷
پرهیز از تحریک مردان.....	۸
تأثیر حیا، بر پوشش بانوان.....	۹
۱. ضعف ایمان.....	۱۱
۲. هوس رانی.....	۱۲
۳. جلب توجه دیگران.....	۱۲
۴. دگر آزاری.....	۱۲
۵. غرب زدگی.....	۱۳
۶. پل زدن به ازدواج.....	۱۳
۷. فخر فروشی.....	۱۴
۸. تبلیغات استعماری.....	۱۴
۹. وسوسه های شیطانی.....	۱۵
۱۰. سرزنش دیگران.....	۱۶

۱۱. مدگرایی..... ۱۶
۱۲. ضعف غیرت..... ۱۷
۱۳. عدم نظارت سیاست گذاران فرهنگی..... ۱۷
۱۴. خانواده سهل انگار..... ۱۸
۱۵. ضعف حیا..... ۱۸
- فصل دوم: تأثیر حیا بر پوشش بانوان..... ۲۰
۲۰. مفهوم شناسی حیا..... ۲۰
۲۱. ضرورت حیا برای بانوان..... ۲۱
۲۲. آثار و فواید حیا..... ۲۲
۱. پاک دامنی..... ۲۲
۲. سلامت روان..... ۲۳
۳. حفظ شخصیت آدمی..... ۲۳
۴. ادب..... ۲۳
- عوامل تضعیف حیا..... ۲۵
۱. بی توجهی نسبت به حیا..... ۲۵
۲. بی حیایی والدین..... ۲۵
۳. رسانه های جمعی..... ۲۵
- ارتباط پوشش و حیا..... ۲۷

- فصل سوم: ضرورت ها و بایسته های غیرتمداری..... ۳۰
- معنای غیرت..... ۳۰
- غیرت؛ یکی از جلوه های مردانگی..... ۳۱
- غیرت اجتماعی..... ۳۲
- میانہ روی در غیرت..... ۳۳
- وظیفه مسلمانان در پاسداری از زنان و دختران..... ۳۴
- غیرت مداری در روایات و سیره معصومین علیهم السلام..... ۳۵
- اقسام غیرت..... ۳۸
- الف) غیرت در دین..... ۳۸
- ب) غیرت نسبت به نوامیس (فرزندان و خویشان و هم کیشان)..... ۳۸
- ج) غیرت در مال..... ۴۲
- فصل چهارم: عوامل مؤثر در سست شدن فرهنگ حجاب و پی آمدهای آن..... ۴۳
۱. تبیین نشدن فرهنگ ناب اسلامی..... ۴۵
۲. تبیین نشدن فرهنگ حجاب در جامعه..... ۴۵
۳. بالا رفتن سن ازدواج..... ۴۶
۴. نبود ساختار صحیح برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر..... ۴۶
۵. کاستی در معرفی الگوها..... ۴۷
۶. کم رنگ شدن نقش خانواده ها..... ۴۹

۵۰	۷. تلاش ناکافی در ایجاد محیط سالم اجتماعی.....
۵۱	۸. ناآشنایی با فلسفه حجاب.....
۵۲	مهم ترین آسیب ها و پی آمدهای بی حجابی.....
۵۲	۱. عقده مند کردن مردان.....
۵۲	۲. سقوط شخصیت زنان.....
۵۲	۳. تزلزل خانواده ها.....
۵۲	۴. بلوغ زودرس جنسی.....
۵۳	۵. بدآموزی.....
۵۴	فصل پنجم: بایسته ها و راه کارهای ترویج فرهنگ حجاب.....
۵۴	۱. آموزش حجاب در مدارس.....
۵۴	۲. تشویق.....
۵۵	۳. فعالیت های علمی، فرهنگی و هنری.....
۵۵	۴. تقویت فرهنگ غیرت.....
۵۶	۵. نظارت بر رسانه های جمعی.....
۵۶	۶. فعالیت قوای سه گانه.....
۵۷	۷. احیای امر به معروف و نهی از منکر.....
۵۷	۸. معرفی پوشش های متناسب.....
۵۷	۹. تقویت باورهای دینی با احیای فرهنگ ناب اسلامی.....

۵۸	۱۰. باطن گرایی و سیرت گرایی به جای صورت گرایی
۵۹	۱۱. معرفی و شناساندن الگوهای زن مسلمان
۶۲	۱۲. توجه دادن به مسئولیت انسان در برابر اعمال خویش
۶۴	۱۳. بازنمایی مصونیت ها و فواید حجاب
۶۷	فصل ششم: سخنی با زنان و دختران مسلمان
۶۷	۱. نحوه سخن گفتن
۶۸	۲. لباس زن در خارج از منزل
۷۰	۳. کفش زنان مسلمان
۷۱	۴. پاسداری از دیدگان خود و نگاه دیگران
۷۳	فرجام سخن
۷۶	فهرست منابع

بی تردید، عقاید مردم، شالوده، بنیان، زیرساخت های اجتماعی و در پی آن عامل شکل گیری فرهنگ جوامع است که در قالب های گوناگون بروز و ظهور اجتماعی می یابد. در این میان فرهنگ عفاف و حجاب نیز متأثر از این رویکرد است که به شکل فعلی نمود عملی یافته است.

صاحبان رسانه و وسایل ارتباط جمعی، بیشترین توان و ابزار را در اختیار دارند تا با تصمیم گیری و برنامه ریزی در این حوزه، وارد عمل شوند. اینک که امپریالیسم غرب با هجمه گسترده خود، از راه های گوناگون، عناصر غیرفرهنگی و ضد دینی را به اذهان خام تزریق می کند، رسانه های فرهنگی به ویژه رسانه ملی، می تواند با هماهنگی و برنامه ریزی و هم سویی سیاست ها و تولیدات رسانه ای، به شکلی شایسته به مقابله با انحطاط اذهان عمومی به ویژه در زمینه عفاف پردازد و هدایت فکری جامعه را به دست گیرد.

از این رو، دست اندرکاران امور فرهنگی باید در برنامه ریزی های خود بیش از هر چیز، به شناخت ضرورت حفظ عفاف و حجاب توجه ای ویژه داشته باشند؛ زیرا رعایت حجاب به عنوان یک پوشش ظاهری و عفاف، به عنوان جمال باطنی، برای حفظ و صیانت گوهروجودی فرد و به عنوان یک حکم الهی، ضروری است و بدیهی است سلامت اجتماع و خانواده، با رعایت و حفظ حریم های دینی، ارتباط مستقیم دارد.

بر مبنای این اصل، دفتر امور زنان و خانواده، وظیفه خود می داند با تکیه بر پشتوانه اعتقادی و بهره مندی برنامه سازان محترم و اهتمام ویژه آنان به این امر، با سفارش و همکاری در تهیه این نوشتار، تأکید بیشتری بر نقش مؤثر و مهم برنامه سازان ارجمند رسانه داشته باشد. همچنین به تبیین چگونگی عفاف و حجاب در امر برنامه سازی و حفظ حدود و مرزهای عفاف و حجاب و تأثیر مثبت این مهم بر افکار مخاطبان بپردازد. افزون بر این، برخی آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی و خانوادگی و بحران های ناشی از چشم پوشی از این نماد عزت و سرافرازی را بیان دارد. امید است که از آن بهره وافی برده شود.

دفتر امور زنان و خانواده

سازمان صدا و سیما

ص: ۲

از دیدگاه اسلام، زن شخصیتی شایسته و رسالتی الهی دارد که می‌تواند با پیمودن مدارج کمال، به مراتب عالی انسانیت بار یابد و مصداق تحقق فلسفه خلقت؛ یعنی جانشینی خدا گردد. زن، مربی بشر است و می‌تواند با تربیت فرزند صالح، امتی را از گمراهی‌های رهایی بخشد.

جایگاه والای زن می‌طلبد که این گوهر آفرینش در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش‌های انسانی‌اش محفوظ بماند. فلسفه نگرهبانی و پوشش‌اشیا، ارزش آنهاست و هر قدر افزایش یابد، درصد محافظت از آنها بیشتر می‌شود. حجاب، خیمه عفاف بانوان است و ایمان به خدا و ترس از آخرت از مهم‌ترین پایه‌های حجاب به شمار می‌روند. وقتی زن به علم و حکمت خدای تعالی ایمان بیاورد و بپذیرد احکامی که برای انسان تشریح شده است، آثار مثبتی دارند، از حکم الهی درباره حجاب استقبال می‌کند. شناخت آثار زیان‌بار خودنمایی زن، مکمل آگاهی‌هایی است که از آن سخن خواهیم گفت.

پوشیدگی زن، نماد تقوای اوست. وقتی زن، تقوای جنسی را رعایت کند و خود را بپوشاند، وعده‌های الهی درباره پرهیزکاران، درباره او نیز محقق می‌شود. غلبه بر هواهای نفسانی و چشم‌پوشی از لذت‌های حرام، به انسان، هیبت و وقار می‌بخشد. به صورت ناخودآگاه، برخورد مردان با زنانی که پوشش نامناسبی دارند، برخوردی شهوانی و ابرازی است، ولی برخوردشان با زنان پوشیده،

برخوردی همراه با احترام و تکریم قلبی است. نوع پوشش زن، معرّف شخصیت عفیف یا هوس انگیز اوست که موضع گیری مرد را در برابر او مشخص می کند. در حقیقت، حجاب زن، جهاد اکبر اوست.

امنیت و آرامش خاطر نیز از آثار حجاب اسلامی است. انسان در پناه محافظ، احساس آرامش بیشتری دارد. پوشش اسلامی نیز نگهبان زن است و به زن آرامش می بخشد. هرچه این پوشش کامل تر شود، درصد امنیت و حفاظت زنان بالاتر می رود. سختی حجاب، حق بیمه ای است که زن، برای تأمین سلامت خود می پردازد؛ زیرا پوشش، مانع نفوذ هوای نفس و نگاه های آلوده و افکار فاسد به حریم پاک زنان می گردد و زیبایی ها و ظرافت های جسمانی آنان را نیز از گزند سرما، گرما و آلودگی های هوا حفظ می کند.

پوشش، سدّی بزرگ در برابر تهاجم فرهنگی غرب است. اگر قلعه مستحکم حجاب زن مسلمان، فتح شود، راه بردگی جامعه اسلامی هموار می گردد. در حقیقت، حجاب دینی، پادزهر تهاجم فرهنگی غرب است. همچنین، پوشش زنان در کاهش مفاسد اجتماعی نقش مؤثری دارد. زن و مرد همانند دو سیم برق هستند که نبود عایق میان آنها آتش بی عفتی را شعله ور می سازد و ارزش ها را می سوزاند. تا وقتی بانوان، خود را از دید چشم های حریص مردان می پوشانند، دریای نفس آنها آرام است، ولی وقتی به جلوه گری دست می زنند، اضطراب روحی و نابسامانی روانی خود و برای مردان فراهم می آورند.

حجاب، ارزشی است که رعایت آن، زنان را چون گوهری در درون صدف از شر آسیب ها مصون می دارد. کسانی که از توجه به شخصیت حقیقی و باطنی و کمالات روحی خود غفلت می ورزند، به تدریج، زمینه لازم را برای انحطاط و

ابتدال خود فراهم می سازند.

خودنمایی و خودآرایی در صحنه اجتماع، به شخصیت ارزشمند زن آسیب وارد می سازد. با وقار بودن دختر و رعایت کردن حریم میان محرم و نامحرم به او اصالت می بخشد و او را در دیدگان همه بزرگ و محترم می گرداند. در آموزه های اسلامی و روایت های اهل بیت علیهم السلام، به ارزش و اهمیت عفت و پاک دامنی، بسیار تأکید شده است، چنان که در حدیثی می خوانیم: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ؛ پاک دامنی، بهترین عبادت است.»^(۱) امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

ما الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرٍ مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لِكَأَدِ الْعَفِيفِ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ.^(۲)

اجر رزمنده شهید راه خدا، بالاتر از اجر کسی نیست که قدرت، بر خلاف عفت داشته، ولی عفت خود را حفظ کرده است. به حقیقت که فرد عقیف، نزدیک است که فرشته ای از فرشتگان باشد.

همچنین در روایات اسلامی در این باره آمده است:

أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَجُلٌ عَفِيفٌ مَتَّعِفٌ ذُو عِبَادَةٍ.^(۳)

نخستین کسی که وارد بهشت می شود، فرد عقیف پاک دامن و اهل عبادت بوده است.

عفت و پاک دامنی، پی آمد نیکوی تقوای الهی و مایه ارزش معنوی و قرب خداوندی است که در هر جامعه ای نشانه شخصیت و عامل سعادت و مایه منزلت اجتماعی است.

ص: ۵

۱- ۱. کافی، ج ۲، ص ۷۹.

۲- ۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴.

۳- ۳. بحار الانوار، ح ۷۱، ص ۲۷۳.

در پایان از رهنمودهای ارزنده سرکار خانم سلیحی و کارشناسی شایسته سرکار خانم زندی سپاس گزارم. امید که این اثر روزی به کارمان آید که «لاینفع مال و لابنون الا من اتی الله بقلب سلیم».

ص: ۶

انسان در پناه محافظ، احساس آرامش می کند. پوشش اسلامی نیز نگهبان زن است و به او امنیت و آرامش می بخشد. پس هر چه این پوشش کامل تر شود، درصد امنیت و حفاظت زنان بالاتر می رود. زحمت حجاب، حق بیمه ای است که زن برای تأمین سلامت خود می پردازد؛ زیرا حجاب، مانع جریان یافتن هوای نفس و نگاه های آلوده و فسادآمیز، به حریم پاک زنان می شود. پوشش، سدّی بزرگ در برابر تهاجم فرهنگ غرب است. جایگاه والای زن می طلبد که این گوهر آفرینش، در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش های انسانی اش در امان بماند. فلسفه نگهبانی و پوشش اشیا، ارزش آنهاست و هر قدر این ارزش بالاتر باشد، نسبت نگه داری آنها نیز بیشتر می شود.

پوشیدگی زن، نماد پرهیزکاری اوست. وقتی زن تقوای جنسی را رعایت کند و خود را بپوشاند، وعده های الهی که برای پرهیزکاران داده شده است، درباره او نیز محقق می شود. در واقع، چیرگی بر هواهای نفسانی و چشم پوشی از لذت های حرام، به انسان هیبت و وقار می بخشد. به صورت ناخودآگاه، برخورد مردان با زنانی که پوشش ناقصی دارند، برخوردی شهوانی و ابزاری است، ولی برخوردشان با زنان پوشیده و با حجاب اسلامی، برخوردی همراه با احترام و تکریم قلبی است.

نوع پوشش زن، معرّف شخصیت عقیف یا هوس انگیز اوست که

موضع گیری مرد را در برابر او مشخص می کند. تا وقتی بانوان، خود را از دید چشم های حریص مردان می پوشانند، دریای نفس آنها آرام است، ولی وقتی به جلوه گری دست می زنند، تلاطم روحی و نابسامانی روانی را برای مردان فراهم می آورند.

پرهیز از تحریک مردان

خداوند در آیه ای از قرآن مجید، حکم و حکمت حجاب را چنین بیان می کند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا. (احزاب: ۵۹)

ای پیامبر! به زنان و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که روسری های بلند خود را بر خویش فروافکنند که این کار برای اینکه آنها (به عفت) شناخته شوند تا از تعریض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند، بسیار بهتر است و خدا در حق خلق، آمرزنده و مهربان است.

حفظ پاک دامنی، منحصر به پوشش نیست، بلکه زن باید از هر گونه رفتاری که سبب تحریک و طمع ورزی هوس رانان می شود، به شدت بپرهیزد. برای نمونه، خداوند حتی نرمش در سخن گفتن را که سبب تحریک و گناه است، نفی می کند. همچنین خداوند در قرآن، «تبرج»؛ یعنی آرایش برای خودنمایی را نکوهیده و آن را به جامعه جاهلی نسبت داده و فرموده است:

و لَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى. (احزاب: ۳۳)

و خود را همانند زینت نمایی روزگار جاهلیت پیشین، زینت نمایی نکنید.

در حقیقت، آنچه مردان را تهییج می کند، سه چیز است: زیبایی، زیور و حرکت های اغوا کننده که در قرآن مجید، به تبرج تعبیر شده است. رفتار زن

می تواند وسیله اغوا و تهییج مرد شود؛ یعنی اگر زیبایی و زیور زنی دیده شود، ولی رفتار او معقول و متین باشد، مرد اغوا نمی شود، مگر به ندرت. به همین دلیل، نرم سخن گفتن زن، گاهی از بی حجابی هم اغواکننده تر است. امروزه بعضی لباس ها که مد روز نیز هستند، حجم و انحناى بدن را چنان نمایان می کنند که اغوای این پوشیدگی گاهی از برهنگی نیز بیشتر است.

تأثیر حیا، بر پوشش بانوان

اشاره

امام علی علیه السلام حیا را زیباترین لباس دنیا می داند و می فرماید: «أَحْسَنُ مَلَابِسِ الدُّنْيَا الْحَيَاءُ؛ حیا، زیباترین جامه دنیاست.»^(۱) خداوند در قرآن مجید هنگام بازگویی داستان دختران شعیب و حضرت موسی علیهم السلام، می فرماید: «جاءت إحداهما تمشي على استحياء؛ یکی از آن دو دختر در حالی که باحیا راه می رفت، آمد.» (قصص: ۲۵)

در دیگر ادیان نیز بر حیا تأکید شده است: در انجیل، کتاب مقدس مسیحیان، آمده است: «و زنان نیز به لباس مزین به حیا و پرهیز، خود را بیارایند.»^(۲) آری زینت یابی به زیور حیا، نوعی آراستگی به صفات الهی است؛ زیرا یکی از صفات کمالی خداوند، حیاست، چنان که امام محمدباقر علیه السلام می فرماید:

فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي وَيُحِبُّ أَهْلَ الْحَيَاءِ.^(۳)

خداوند صاحب عزت و جلال، کریمی است که حیا می کند و اهل حیا را دوست دارد.

همچنین نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز آراسته به ویژگی حیا بود، چنان که امام

ص: ۹

۱- ۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ح ۴۵۴۴.

۲- ۲. کتاب مقدس انجیل، نامه اول پولس به تیموثوس، باب دوم، آیه ۹.

۳- ۳. من لا يحضر الفقيه، ج ۳، ص ۵۰۶.

صادق علیه السلام می فرماید: «شَيْمَتُهُ الْحَيَاءُ؛ اخلاق و عادت او حیا بود.»^(۱) حضرت علی علیه السلام نیز فردی حیا پیشه بود. درباره ایشان آمده است: «و كان عليّ عليه السلام كثير الحياء؛ علی، بسیار باحیا بود.»^(۲) درباره حدیث ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام هم می گویند:

فَلَمَّا أَصْبَحَ دَعَاها فَجَاءَتْ خِرْقَةً مِنَ الْحَيَاءِ.^(۳)

چون صبح شد، (پیامبر صلی الله علیه و آله) فاطمه علیها السلام را خواند و او با حیایی آشکار (نزد پدر) آمد.

رفتار حضرت فاطمه علیها السلام، الگو و معیار بسیار روشنی برای همه بشر، به ویژه دختران جوان و مسلمان است تا زندگی سعادت‌مندی داشته باشند. در حقیقت، دختران جوان، باحیا و عفاف خود، گامی مؤثر برای بالا بردن شخصیت و ارزش خود و حفظ موقعیت خویش در برابر مردان برخواهند داشت.

حیا، مانع افتادن انسان در دام انحراف جنسی و ضامن پاک دامنی اوست. حیا، یکی از بهترین نیروهای کنترل کننده درونی است. حیا، سبب سلامت روانی است. اگر به این ندای درونی که نشانه هماهنگی با طبیعت انسانی است، پاسخ داده نشود، تعادل انسان از میان می رود. همان گونه که پاسخ ندادن به غریزه گرسنگی و تشنگی، انسان را به سختی می اندازد، پاسخ ندادن به غریزه حیا نیز روابط انسان را مختل می سازد. همچنین در پرتو حیا، شخصیت آدمی در امان می ماند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ عَيْبُهُ؛ هر کس جامه حیا را بر خود بپوشاند، عیبش از مردم پوشیده می ماند.»^(۴) البته میان ادب و

ص: ۱۰

۱-۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۴.

۲-۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۷۳.

۳-۳. همان، ج ۴۳، ص ۱۳۸.

۴-۴. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۳.

حیا نیز رابطه محکمی وجود دارد و بسیاری از رفتارهای مؤدبانه، نمونه ای از رفتار حیامدارانه است. در بسیاری از موارد، سبب پای بندی افراد به ادب، وجود روحیه حیا در آنهاست. انسانی که حیا دارد، از انجام دادن کارهای ناپسند خجالت می کشد، در حالی که اگر شرم نمی کرد، ممکن بود آنها را انجام دهد. از این رو، حیا، در آراسته شدن انسان به ادب نیز نقش به سزایی دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

آنچه از حیا ریشه می گیرد، عبارت است از: نرمش؛ مهربانی؛ در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان؛ سلامت؛ دوری کردن از بدی؛ خوش رویی؛ گذشت و بخشندگی و پیروزی و خوش نامی میان مردم. اینها فایده هایی است که خردمند، از حیا می برد. (۱)

بی حیایی، زن را با همه ارزش والای ذاتی اش، ابزاری برای سودجویان می سازد و غرور زنانه شان را که بخش جدا ناشدنی از شخصیت زنانگی آنان است، خواهد شکست.

با نگاهی گذرا به مباحث پیش گفته، می توان مهم ترین عوامل بی حجابی را در محورهای زیر جست و جو کرد.

۱. ضعف ایمان

عمل به آموزه های الهی جز در پرتو ایمان و آگاهی میسر نخواهد شد. بنابراین، کسانی که در اعتقاد به خداوند و ضرورت دستورات دینی تردید دارند و قلب آنها در ایمان به خداوند و محاسبه روز جزا به مقام اطمینان نرسیده است، در عمل به دستورهای الهی نیز تسامح می ورزند. این افراد که به ضرورت

ص: ۱۱

حجاب آن گونه که باید و شاید پی نبرده اند، در پای بندی به آن نیز از خود ضعف و سستی نشان می دهند.

۲. هوس رانی

برخی زنان برای ارضای هوس رانی خود، به تنوع پوشش، آرایش و زینت بسیار اهمیت می دهند و بهترین اوقات خود را به حضور در محیط های تجارتي و تفریحی و مهمانی های مفسده انگیز می گذرانند. این دسته از بانوان بدون تفکر و تعقل مانند اشیای بی اراده به کارهایی دست می زنند که هیچ گونه فایده ای برای آنها ندارد و از این رهگذر، آسیب های جدی متوجه آنان می شود.

۳. جلب توجه دیگران

آدمی می خواهد در جامعه، جایگاه ویژه ای داشته باشد که چنین جایگاهی گاه به صورت حقیقی و گاه به صورت مجازی و کاذب به دست می آید. جایگاه حقیقی را با دانش و فضایل اخلاقی می توان به دست آورد، ولی برخی زنان که از چنین ارزش هایی محروم هستند، با نمایش زیبایی ها و جاذبه های طبیعی زنانگی خود به دنبال جلب توجه دیگران هستند و می کوشند کمبودهای کمالی خود را از این راه جبران کنند، غافل از اینکه بی حجابی، تنها توجه بیمار دلان را به زن جلب می کند که خود، کمترین اعتباری ندارند.

۴. دگر آزاری

بعضی از زنان که عقده دگر آزاری دارند، با خود آرایی می کوشند تمایلات مردان را برانگیزند، ولی بی پاسخ بگذارند. این حرکت، مردان را عقده مند می سازد و در مقابل، زنان سادیسمی از این حرکت خود لذت می برند.

۵. غرب زدگی

یکی از مشکلات دیرینه جوامع مسلمان، پیروی کورکورانه و بدون تفکر و تحلیل آنان از غرب است. آنها توجه ندارند که اگر غرب به ارزش های انسانی زن می اندیشید، هرگز به برهنگی و استفاده ابزاری از او فکر نمی کرد. او را به عنوان موجودی نمی شناخت که می تواند مرد را ارضا کند و اگر نتواند از عهده این وظیفه برآید، به سرعت مطرود شود. از این رو، زن برای ایفای نقش یاد شده و حفظ بقای خود، با قدرت تمام، به آرایش و خودنمایی سرگرم شده است تا توجه مردان را به سوی خود جلب کند. زنان با این گرایش به گونه ای سردرگم شده اند که خود به دنبال شکارچیان خویش می دوند تا طعمه آنان گردند.

این در حالی است که زن مسلمان، ارزشمندتر و والاتر از آن است که به دنبال سلوک غربی باشد و از زن غربی که از ماهیت انسانی خود تهی شده است، الگو برداری کند.

۶. پل زدن به ازدواج

برخی دختران، بدلباسی و خودنمایی خود را پلی برای رسیدن به ازدواج می پندارند. آنان گمان می کنند با بیرون ریختن مو از زیر روسری، پوشیدن لباس های زننده، آرایش های ناپسند و نشان دادن زیبایی های زنانه خود می توانند جوانان را به خود جذب کنند. اینان از این نکته غافلند که جوانان با همه اقبال و خوش رویی هایی که با ایشان داشته باشند، در پی ازدواج با آنان نخواهند بود. غالب جوانان در پی آنند که دختری را برای همسری خود برگزینند که طرح دوستی با جوان دیگری را در پرونده خود نداشته باشد. جوانان بی تقوا از دختران

خودنما برای لذت های زودگذر استقبال می کنند. در حقیقت، این دختران در چشم ها جای دارند، نه در دل ها. بنابراین، بدحجابی و ظاهرسازی، چشم انداز مناسبی برای ازدواج نیست و اگر هم ازدواجی به خاطر جاذبه های جنسی صورت پذیرد، بنیان محکمی نخواهد داشت.

۷. فخرفروشی

یکی دیگر از ریشه های خودنمایی، فخرفروشی است. بعضی از زنان دوست دارند دیگران رفاه مالی آنان را ببینند. بدین منظور، لباس های فاخر می پوشند و ارزش خود را در طلا و جواهرات می جویند. اینان از جدیدترین و شیک ترین لباس ها و جواهرات بهره می گیرند و می کوشند تا خود را برتر از دیگران نشان دهند و اندوخته های مالی خود را به رخ دیگران بکشند و به این عمل افتخار کنند. نخوت، غرور و فخرفروشی در رفتار آنان موج می زند و برای خود جایگاه ویژه ای قائلند.

زنان و دختران اگر در دایره عقل و شرع حرکت نکنند، طبیعت آنان خواهان ظاهرسازی و جلوه گری جسمانی است.

۸. تبلیغات استعماری

زنان، توان اثرگذاری بالایی دارند و استعمارگران نیز از این نکته، بیشترین بهره برداری را می کنند. اقبال لاهوری، درباره آگاه شدن زنان از فریب های تبلیغاتی استعمار گفته است:

ای زافسون فرنگی بی خبر***فتنه ها در آستین او نگر

از فریب او اگر خواهی امان***

استعمار برای رواج فرهنگ برهنگی از راه کارهای گوناگونی بهره می برد که در این میان، زن مسلمان باید با هشیاری کامل، خود را از دام صیادان عفاف به دور دارد.

عده ای از زنان فریب خورده در راه ترویج مدهای مبتذل در جامعه اسلامی، به مهره بی مزد و موجب استعمار تبدیل شده اند. اینان در حقیقت، سربازان تهاجم فرهنگی غربند که مشکلات گوناگونی مانند: نابسامانی روحی و خانوادگی، پای بند نبودن به ارزش های دینی و فقر و ناداری، آنان را به این روز انداخته است.

۹. وسوسه های شیطانی

شیطان با همه ارزش های الهی مخالف است و از گسترش گناهان و زشتی ها استقبال می کند و در این راه از هر ابزاری بهره می گیرد. شیطان با بررسی روحیه افراد، باورهای انحرافی اش را به شیوه های گوناگون عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی به آنان القا می کند. باید دانست گناهان کلیدی نزد شیطان، اولویت دارند؛ زیرا این نوع زشتی ها سبب اشاعه گناهان می گردد. شیطان از یک طرف دریافته است که صلاح و فساد زن در صلاح و فساد اجتماع نقش چشم گیری دارد و از طرف دیگر می داند که زنان به خودنمایی نزد دیگران علاقه مندند و این خودنمایی هم در اشاعه گناهان نقش کلیدی دارد. شیطان چنان در این مأموریت خود موفق عمل کرده است که برخی زنان باور کرده اند چنین معصیت های آشکاری، شاخص روشن فکری و نشانه پیشرفت است. هر کسی با کمترین واقع بینی، به سرعت درمی یابد که هوس رانی نه تنها نشانه

روشن فکری و متمدن بودن نیست، بلکه قلب را تاریک و عقل را ضعیف می سازد و جز از وسوسه های شیطان و نفس اماره بر نمی خیزد. بی حجابی، نتیجه متمدن بودن نیست، بلکه در غرایز جنسی و ضعف باورهای دینی ریشه دارد.

۱۰. سرزنش دیگران

یکی از ریشه های بی حجابی، سرزنش هم کلاسی ها، دوستان و آشنایان و گاهی هم اعضای خانواده است. بسیاری از بانوان با برخورداری از سلامت نفس، می خواهند حجاب دینی کامل داشته باشند، ولی راه زنان پوشش به آنها شبیخون می زنند و زبان به سرزنش می گشایند که تو چرا خود را محصور و آزادی خود را سلب می کنی. گاهی هم این سرزنش ها از سوی مردان است که برای رسیدن به لذت های نامشروع خود چنین می کنند.

۱۱. مدگرایی

مدگرا می کوشد همواره از تازه های لباس و آرایش آگاه شود و به هر قیمتی از آنها بهره گیرد. مدگرایی کورکورانه، نتیجه غلبه شهوت و تنوع طلبی افراطی بر روح انسان است. شهوت لباس، زنان و دختران و افراد مدگرا را به اسارت مدسازان درآورده است. مدسازان پشت پرده که با بهره گیری از پژوهش های گسترده روان شناسی به طراحی مدهای جدید می پردازند، با طرح مدل های تحریک آمیز کفش، لباس و آرایش زنان، مقلدان بی اراده را اغفال می کنند.

یکی دیگر از ریشه های خودنمایی و بی حجابی، تقلید ناموجه از زنان و دخترانی است که بنا به دلایلی از تقوای پوششی دور مانده اند. دلیل چنین تقلیدی را باید در نا آگاهی، ساده لوحی، هم رنگی با دوستان، چشم و هم چشمی، فریب خوردن و امثال آنها جست و جو کرد. چنین افرادی بدون کمترین تفکر،

عاقبت اندیشی و بررسی ماهیت پی آمد حکم شرعی رفتار خود، از دیگران تقلید می کنند. اگر آدمی براساس مصالح واقع بینانه و منافع همه جانبه خود تصمیم بگیرد، در چنین گردابی نخواهد افتاد. (۱)

۱۲. ضعف غیرت

سست غیرتی سرپرست خانواده در گرایش به بی حجابی و سستی حیا و عفت زنان و دختران نقش بسزایی دارد. این روحیه منفی گاهی سبب می گردد وی با برخی توجیه های نفسانی بر بی حجابی و جلوه گری ناموس خود اصرار ورزد و چه بسا به آنجا رسد که به نمایش زیبایی ها و لباس های فاخر و زینت های گران بهای او بر دیگران فخر کند. برخوردهای چنین کسی با ادعای انسانیت و مردانگی او در تضاد است.

۱۳. عدم نظارت سیاست گذاران فرهنگی

یکی از وظیفه های مهم مسئولان فرهنگی کشور، نظارت بر مؤسسه های تولید پوشاک است که بسیاری از آنها به مراکز مدسازی و دوخت لباس های مبتذل تبدیل شده اند. این مراکز، آزادانه و به دور از هرگونه نظارتی، لباس های غیرمعمول و غیرشرعی تولید می کنند و حتی لباس های کودکان و نوجوانان نیز از مدسازی اینان در امان نمانده است.

نظارت بر فرآورده های فرهنگی، تولید و نمایش فیلم و رفتار بازیگران از تبدیل شدن تلویزیون و سینمای کشور به صحنه ترویج مدهای غربی جلوگیری می کند. به این نکته هم باید اشاره کرد که براساس قوانین جمهوری اسلامی،

ص: ۱۷

خانم هایی که حجاب شرعی را رعایت نمی کنند، مجرمند و کیفر خاصی برای این وضعیت در نظر گرفته شده است. با این حال، از تصویب صریح، جامع و متقن قوانین پوشش دینی که از ضروریات دین اسلام به شمار می رود، خبری نیست و خلأ آن بیش از پیش احساس می شود. دستگاه های اجرایی نیز در برخورد با پوشش های غیراسلامی و طراحی مد، سردرگم هستند و بیشتر اوقات، با بی اعتنایی از کنار این مسئله می گذرند.

۱۴. خانواده سهل انگار

خانواده هایی که از آموزه های دینی فاصله می گیرند، در برزخ میان عمل به آموزه های دین یا تن دادن به خواسته های نفسانی خود قرار می گیرند. عقاید آنها رنگ مذهبی دارد، ولی حقیقت دینی ندارد؛ زیرا دین را در محدوده ای می پذیرند که با باورهای غیردینی آنها تضاد نداشته باشد. دین، لقلقه زبان اینان است و در صورت روبه رو شدن با کمترین سختی یا تضاد آموزه های دین با تمایلاتشان، به راحتی از دین چشم پوشی می کنند. فرزندان چنین خانواده هایی به فرهنگ تسامح در برابر دین خو می گیرند و به تدریج به سوی بی حجابی گام برمی دارند.

۱۵. ضعف حیا

پوشش و حیا، تفکیک ناپذیرند. تا جلوه ای از حیا در زنی وجود نداشته باشد، پوشش را هم با جدیت مراعات نخواهد کرد. زنان باحیا کسانی هستند که با پوشش کامل، از نمایش بدن، موی سر و زینت های خود شرم دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «خدا، حیا و پوشیدگی بندگانش را دوست دارد.»^(۱) بی حیایی

ص: ۱۸

زنان و دختران جوان بیشتر در هم نشینی با دوستان بی حیا، تماشای فیلم های مبتذل، بی توجهی به ارزش والای عفت و حیا، ضدارزش ندانستن بی شرمی، فرهنگ نامناسب خانوادگی و بی قید و بندی پدر و مادر ریشه دارد.

مسائل اخلاقی و تربیتی از ظرافت خاصی برخوردار است و از پایین ترین دوره سنی شکل می گیرند. اشتباه است که به مسائل تربیتی مربوط به شرم و حیای دختران تا نه سالگی توجه نشود. آن گاه با فرارسیدن زمان تکلیف از آنها خواسته شود تا یک باره در درون خود انقلاب برپا کنند. امور تربیتی، حقایقی هستند که باید به تدریج شکل گیرند. حجاب نیز یک فرهنگ است و باید به تدریج و در گذر زمان در روح و جان آدمی نهادینه شود. صفت ارزشمند حیا، ارزشی بزرگ به زن می بخشد و بی حیایی، او را از مقام انسانیت به زیر خواهد کشید.

از آنجا که مسئله حیا و نقش آن در بی‌حجابی بسیار پررنگ می‌باشد از این رو نقش کلیدی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مفهوم شناسی حیا

معادل فارسی حیا، شرم و آزر است. (۱) علامه دهخدا می‌نویسد: «شرم، حیرت و وحشتی است که در آدمی پیدا شود از آگاه شدن دیگری به عیب یا نقص او.» (۲) علامه مجلسی رحمه الله درباره حقیقت حیا می‌نویسد: «حیا، ملکه‌ای (عادت) که جزو شخصیت انسان شده باشد) است که موجب گرفتگی (انقباض) نفس از (ارتکاب کار) زشت می‌شود و باعث خودداری نفس از انجام کاری برخلاف آداب، از ترس سرزنش می‌گردد.» (۳) استاد مطهری نیز نوشته است: حیا، عفاف و پوشش، تدبیری است که خود زن برای بالا بردن ارزش و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار می‌برد.» (۴)

فلسفه اصلی حیا، شرم کردن از کارهای زشت و کنترل غریزه جنسی است. غریزه جنسی، توفنده‌ترین غریزه در انسان است که در درجه اول، به پاسخ‌گویی

ص: ۲۰

۱- ۱. دهخدا، ج ۱۸، ص ۸۴۳.

۲- ۲. همان، ص ۳۳۳.

۳- ۳. مرآة العقول، ج ۸، ص ۱۸۷.

۴- ۴. مسئله حجاب، ص ۶۲.

ضرورت حیا برای بانوان

حیای زن؛ حریم و دورباشی است که زن خود به خود در روابطش با مردان برای خویش در نظر می گیرد. مونتسکیو می نویسد: «تمام ملل جهان بر این عقیده مشترک هستند که زنان باید حجب و حیا داشته باشند.» (۲) پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «أَلْحِيَاءُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ فَتَشَعُّهُ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدٌ فِي الرِّجَالِ؛ حیا ده بخش است، نه بخش آن در زنان و یک بخش آن در مردان است.» (۳) زن اگر به راحتی در اختیار مردان قرار گیرد، ارزش خود را از دست می دهد. پس روحیه حیا در او بیش از مرد وجود دارد. مونتسکیو با نگاه حقوقی خاص خود می نویسد:

قوانین طبیعت این طور حکم کرده و لازم دانسته که زن ها محجوب باشند و بر شهوات خود غلبه نمایند. طبیعت مرد را طوری آفریده که تهورش زیادتر می باشد، ولی زن طوری آفریده شده که خودداری و تحملش زیادتر است. بنابراین، هرگز نباید تصور کرد افسار گسیختگی زن ها طبق قوانین طبیعی است، بلکه افسار گسیختگی برخلاف قوانین طبیعت می باشد و بالعکس، حجب و حیا و خودداری، مطابق قوانین طبیعت است. (۴)

اگر زن برای مردان دست یافتنی باشد، نه تنها در قلب آنان، محترم و با ارزش نیست، بلکه ارزش واقعی اش نیز تحت الشعاع قرار می گیرد و رنگ می بازد. (۵) ویل دورانت می نویسد:

ص: ۲۱

۱- ۱. محمد مهدی حرزاده، حیا زیبایی بی پایان، صص ۷۳ و ۷۴.

۲- ۲. روح القوانين، ص ۴۴۰.

۳- ۳. کنز العمال، ج ۳، ح ۵۷۶۹.

۴- ۴. روح القوانين، ص ۴۴۰.

۵- ۵. حرزاده، حیا؛ زیبایی بی پایان، ص ۸۰.

شرم و عفت برای دختر همچون وسیله دفاعی است که به او اجازه می دهد از میان خواستگاران خود، شایسته ترین آنان را برگزیند یا خواستگار خود را ناچار سازد که پیش از دست یافتن بر وی، به تهذیب (و اصلاح) خود بپردازد. (۱)

همچنین برتراند راسل می نویسد:

تصور من این است که اگر مردی به سهولت به زنی دست بیازد، احساس آن مرد نسبت به آن زن یک نوع احساس عاشقانه عمیق نیست. (۲)

یکی از دلایل اصلی وجود حیا در انسان، حفظ عفت و کنترل شهوت است. در روایات ما نیز بر این امر تأکید شده است. امام علی علیه السلام می فرماید: «علت پاک دامنی، حیاست.» (۳) یا می فرماید: «پاک دامنی به اندازه شرم و حیا بستگی دارد.» (۴)

نکته مهم در حفظ حیای مردان این است که هرچند دست تدبیر آفرینش از یک طرف، گزینه خودنمایی را در نهاد زن درونی ساخته است تا نهاد خانواده استحکام یابد، ولی از طرف دیگر، «حیا» را در وجود زن قرار داده است تا به طور غریزی و فطری به حجاب روی آورد و تباهی خود و اجتماع را دامن نزنند.

آثار و فواید حیا

اشاره

فواید حیا را می توان چنین برشمرد:

۱. پاک دامنی

حیا مانع افتادن انسان در دام انحراف جنسی و ضامن پاک دامنی اوست. حیا

ص: ۲۲

۱- ۱. تاریخ تمدن، ج ۵، ص ۷۴.

۲- ۲. زناشویی و اخلاق، ص ۷۹.

۳- ۳. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۴.

۴- ۴. همان.

یکی از بهترین نیروهای کنترل کننده درونی است. مسلمان معتقد در پرتو حیا از تمام اشکال بی عفتی پرهیز می کند.

۲. سلامت روان

حیا، ویژگی درونی انسان است و هماهنگی با آن، نشانه هماهنگی با طبیعت انسانی است. اگر به این ندای درونی پاسخ داده نشود، تعادل انسان از بین می رود. همان گونه که پاسخ ندادن به غریزه گرسنگی و تشنگی، انسان را به سختی می اندازد، پاسخ ندادن به غریزه حیا نیز روابط انسان را مختل می کند.

۳. حفظ شخصیت آدمی

حیا سبب می شود انسان، رفتارهای خلاف ادب انجام ندهد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْحَيَاءُ تَمَامُ الْكَرَمِ؛ شرم، کمال بزرگواری (و شخصیت) است.»^(۱) نیز می فرماید: «مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ عَيْبُهُ؛ هر کس، جامه حیا را بر خود پوشاند، عییش از مردم پوشیده ماند.»^(۲)

۴. ادب

میان ادب و حیا، رابطه محکمی وجود دارد و بسیاری از رفتارهای مؤدبانه، مصداق رفتار هیامدارانه است. در بسیاری از موارد، علت پای بندی افراد به ادب، وجود روحیه حیا در آنهاست. امام صادق علیه السلام به یکی از شاگردان خود به نام مُفَضَّل می فرماید:

اگر حیا نبود، انسان هیچ گاه مهمان نمی پذیرفت، به وعده وفا نمی کرد، نیازهای مردم را برآورده نمی ساخت، از نیکی ها برحذر بود و بدی ها را مرتکب می شد. بسیاری از امور لازم و واجب نیز به خاطر حیا انجام می شود.

ص: ۲۳

۱-۱. همان، ص ۵۶۲.

۲-۲. همان، ص ۵۶۳.

بسیاری از مردم هستند که اگر حیا نمی کردند و شرمگین نمی شدند، حقوق والدین را رعایت نمی کردند، هیچ صله رحمی به جای نمی آوردند، هیچ امانتی را به درستی پس نمی دادند و از زشتی بر حذر نبودند. (۱)

اساساً انسانی که حیا دارد، خجالت می کشد کارهای ناپسند انجام دهد، در حالی که اگر شرم نمی کرد، ممکن بود آنها را انجام دهد. از این رو، حیا در آراسته شدن انسان به ادب نقش بسزایی دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

أَمَّا الْحَيَاءُ فَيَشَعَّرُ مِنَ اللَّيْنِ وَالرَّأْفَةِ وَالْمُرَاقَبَةِ لِلَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَالسَّلَامَةِ وَاجْتِنَابِ الشَّرِّ وَالْبُشَاشَةِ وَالسَّمَاخَةَ وَالظَّفْرَ وَحُسْنَ الثَّنَاءِ عَلَى الْمَرْءِ فِي النَّاسِ فَهَذَا مَا أَصَابَ الْعَاقِلَ بِالْحَيَاءِ فَطُوبَى لِمَنْ قَبْلَ نَصِيحَةِ اللَّهِ وَخَافَ فُضِيْعَتَهُ. (۲)

آنچه از حیا ریشه می گیرد، عبارت است از: نرمش، مهربانی، در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان، سلامت، دوری کردن از بدی، خوش رویی، گذشت و بخشندگی، پیروزی و خوش نامی در میان مردم. اینها فوایدی است که خردمند از حیا می برد.

حیا، ارزش زن را حفظ می کند، ولی بی حیایی «کار را به جایی می کشاند که جامعه از زن نه به عنوان یک موجود دارای شخصیت و هویت، بلکه از اجزای بدن او صحبت به میان می آورد... او که همواره با حفظ شرم از موضع قدرت و ناز با جنس مخالف روبه رو می شد، اکنون خود را از موضع ضعف و نیاز، عرضه می کند. اکنون آن غرور زنانه که جزء جداناپذیر زنانگی اوست، به کلی شکسته شده است و دیگر از آن عزت نفس و مناعت طبع که او را محبوب و معشوق می ساخت، خبری نیست». (۳)

ص: ۲۴

۱- ۱. توحید مفضل، ترجمه و نگارش: نجف علی میرزایی، ص ۷۳.

۲- ۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۴.

۳- ۳. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۱.

در این حالت، زن با آن همه ارزش والای خود ایزاری می شود برای شغل های پستی که شئون زنانگی اش را به خطر می افکند. زنان در غرب نه تنها از این وضعیت ناراحت نیستند، بلکه به آن افتخار هم می کنند. بعضی از زنان جامعه اسلامی نیز از این افکار شیطانی و بی ارزش پیروی می کنند.

عوامل تضعیف حیا

۱. بی توجهی نسبت به حیا

اگر آدمی، حیا را درک نکند، به تدریج، صفت حیا در او کم رنگ می شود. صفات پسندیده نیاز به مراقبت دارند و اگر به حال خود رها شوند، از دست می روند. «شرم احتیاج به حمایت دارد تا اینکه لطیف ترین ارکان سرشت انسانی را حفظ کند.»^(۱) وظیفه جوانان، مطالعه؛ وظیفه والدین، تذکر؛ وظیفه نویسندگان، نوشتن؛ وظیفه مبلغان، سخن گفتن و وظیفه هنرمندان، به تصویر کشیدن جلوه های مثبت و منفی حیا و بی حیایی است.

۲. بی حیایی والدین

«همان گونه که تربیت صحیح، حیا را تقویت می کند، تربیت ناسالم نیز سبب تضعیف حیا می شود. والدین و مربیان باید توجه داشته باشند رفتار آنان به عنوان الگو بسیار اثرگذار است. اساس بسیاری از بی شرمی هایی که در نوجوانان (و همچنین جوانان) به چشم می خورد، بی شرمی پدر و مادر در روابط است.»^(۲)

۳. رسانه های جمعی

رسانه های گروهی مانند: مطبوعات، کتاب، اینترنت، رادیو، تلویزیون، سینما،

ص: ۲۵

۱- ۱. همان.

۲- ۲. فرزانه صمدی، بلوغ و دگرگونی های آن، ص ۷۵.

ویدئو، ماهواره و سی دی، بر فرهنگ جامعه اثر می گذارند. رسانه ای تصویری به علت داشتن صحنه ای نامطلوب، تاثیر زیادی بر حیا بینندگان خود می گذارد. این مسئله در مورد محصولات فرهنگی کشورهای غربی به ویژه امریکا محسوس تر است و آگاهانه تلاش می کنند فرهنگ ابتدال، برهنگی و بی حیایی را جای گزین سازند.

مدیر آژانس اطلاعاتی امریکا می گوید: «ما سعی می کنیم تا طرز تفکر انسان را توسط وسایل ارتباط جمعی تحت نفوذ قرار دهیم، به وسیله تماس های فردی، فرستنده های رادیویی، کتاب خانه ها، انتشارات و پخش کتاب مطبوعات، فیلم های سینمایی تلویزیون، نمایشگاه ها، تدریس زبان انگلیسی و سایر طرق».^(۱)

گذشته از فیلم های مبتذل، فیلم های نسبتا معمولی سینمای هالیوود و بالیوود نیز به دلیل نمایش روابط آزاد زن و مرد و پوشش زننده زنان بر روحیه حیا بینندگان تاثیر منفی می گذارد. ناگفته پیداست اگر فیلم های سینمایی و تلویزیونی ایرانی، اصول حیا و آزر را در فیلم ها رعایت نکنند، به دلیل تشابه خاستگاه فرهنگی، بر مخاطبان تاثیر بسی زننده تری دارند. به راستی، چشم دوختن دختران و پسران و زنان و مردان در فیلم ها به یکدیگر، صحبت های عاشقانه پسران و دختران بدون اشراف پدر و مادر و بدون رعایت مسائل شرعی چگونه قابل توجیه است. این مسائل به ویژه در تلویزیون، با حذف چاشنی جنسی و عادی جلوه دادن این روابط صورت می گیرد تا تقابل جدی غیرت مندان را برنیانگیزد. بی شک، دیدن این صحنه ها تاثیر منفی فراوانی بر حیا افراد

ص: ۲۶

می گذارد. گفتنی است صحنه های مخالف حیا تنها به بی حجابی منحصر نیست، بلکه صحنه های خلاف ادب مانند پرخاش به والدین را نیز شامل می شود.

ارتباط پوشش و حیا

بسیاری از نویسندگان، استفاده انسان از لباس را معلول وجود روحیه حیا در انسان می دانند. غلام علی حداد عادل می نویسد: از مجموع تحقیقاتی که به عمل آمده، مسلم شده لباس دست کم پاسخ گوی سه نیاز آدمی است. اول اینکه او را از سرما و گرما و باد و برف و باران حفظ می کند. دیگر اینکه برای حفظ عفت و شرم به او کمک می نماید و بالاخره به او آراستگی و وقار می بخشد. پس منشأ اصلی پیدایش لباس، نیاز به محفوظ ماندن، عقیف ماندن و زیبا بودن است.^(۱)

رعایت کردن حجاب بر افزایش حیا تأثیر دارد و از عوامل تقویت آن به شمار می آید. البته تا احساس قلبی در کار نباشد، انسان دست به کاری نمی زند. عقل، راه را به انسان نشان می دهد و احساس، انرژی و انگیزه به انسان می بخشد. احساس حیا، انگیزه استفاده از حجاب اسلامی را به دختران می دهد. تا زمانی که دختر یا زن احساس نکند نمایان بودن مو و سر و گردن یا تنگی و کوتاهی لباس، زشت است و از آن شرم نکند، انگیزه لازم برای پوشاندن خود را به دست نخواهد آورد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

بر شما لازم است لباس ضخیم بپوشید. هر کس لباسش نازک است، دین او هم نازک (و سطحی) است.^(۲)

امروزه بعضی از زنان به ظاهر این توصیه را رعایت می کنند، ولی بر اثر

ص: ۲۷

۱-۱. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶.

۲-۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۸۹.

سهل انگاری، لباس ظاهر یعنی چادرشان کنار می رود و لباس های نامناسب شان نمایان می شود. حیا در پوشش آن است که زن و مرد، لباس های بلند و گشاد (در حد متعادل) بپوشند و از پوشیدن لباس های نازک بدن نما و رنگ های محرک (نه شاد) پرهیز کنند.

در کنار این مسئله، حیای چشم (نگاه) هم اهمیت بسیار دارد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْحَيَاءُ غَضُّ الطَّرْفِ؛ شرم، چشم فرو بستن است.»^(۱) حیای چشم؛ یعنی شخص از دیدن آنچه دیدنش زشت است، چشم فروبندد. امام باقر علیه السلام می فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْحَيَاءَ فِي الْعَيْنَيْنِ؛ به درستی که خدا، حیا را در چشم ها قرار داده است.»^(۲) ویل دورانت می نویسد: «مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیاست.»^(۳)

حیا در گفتار نیز دو جنبه دارد. یکی، محتوای سخن و دیگری، حالت سخن. خداوند در قرآن می فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الْإِنْسَانُ فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ به ناز سخن نگویند تا آنکه در دلش بیماری است، طمع ورزد و گفتار شایسته بگوید.» (احزاب: ۳۲) معمولاً انسان های مؤمن و معتقد حتی از خود نیز حیا دارند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «حَيَاءُ الرَّجُلِ مِنْ نَفْسِهِ ثَمَرَةُ الْإِيمَانِ؛ شرم داشتن مرد از خود، میوه ایمان است.»^(۴) ایشان در بیان دیگری می فرماید: «غَايَةُ الْحَيَاءِ أَنْ يَسْتَحْيِيَ الْمَرْءُ مِنْ نَفْسِهِ؛ اوج حیا آن است که آدمی از خودش شرم کند.»^(۵) در این حال، آدمی حتی در جایی که او را هم نمی شناسند، باز مراقب رفتار خود خواهد بود. البته انسانی که عالم را محضر

ص: ۲۸

۱- ۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۴.

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۸۰.

۳- ۳. لذات فلسفه، ص ۱۲۹.

۴- ۴. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۹.

۵- ۵. همان.

خداوند می داند، هماره از خداوند شرم می کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «از خدا چنان که باید، شرم کنید.» پرسیدند: ای پیامبر خدا! چه کسی از خدا چنان که باید، شرم می کند؟ فرمود:

کسی که از خدا به راستی حیا داشته باشد، باید اجل خود را در برابر دیدگانش قرار دهد؛ به دنیا و فریبندگی های آن پشت کند؛ مراقب سر و اندیشه خود و شکم و خوراک خود باشد و گور و پوسیده شدن بدن را از یاد نبرد. (۱)

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «أَفْضَلُ الْحَيَاءِ اشْتِخَاؤُكَ عَنِ اللَّهِ؛ برترین حیا آن است که از خدا شرم کنی.» (۲) پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در سخنی نغز می فرماید:

هریک از شما باید از دو فرشته ای که با خود دارد، شرم کند، همچنان که از دو همسایه خوب خود که شب و روز در کنارش هستند، شرم می کند. (۳)

محاسبه نفس، تشکیل دادگاه فعال درونی است که رفتارش را در ترازوی حکمت و شریعت بسنجد و داوری کند.

ص: ۲۹

۱- ۱. همان، ص ۵۶۸.

۲- ۲. همان.

۳- ۳. کنز العمال، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۵۷۵۱.

از آنجا که غیرت یکی دیگر از عوامل مهم تقویت یا تضعیف حجاب و عفاف در جامعه دینی می باشد در این فصل آن را مورد واکاوی قرار می دهیم.

معنای غیرت

(۱)

«غیرت» در لغت؛ به معنای رشک بردن، تعصب و حفظ کردن ناموس است (۲) و در اصطلاح عبارت است از «تأثیر پذیری همراه با بغض و کینه و تیرگی دل، که انسان معمولاً زمانی درکش می کند که احساس کند فرد محبوب وی، توجه یا محبتش را معطوف شخص دیگری کرده است». (۳)

به عبارت دیگر، «غیرت، حس درونی است که آفرینش برای محافظت و نگاهبانی از حریم خانواده و پاسداری از نسل، در وجود مرد نهاده است. در حقیقت، این حس در مرد وجود دارد که می خواهد ناموس خود را از دسترس کامجویی دیگران دور کند و همسر خود را تنها در انحصار خود نگه دارد». (۴)

غیرت، یکی از ویژگی های برجسته اخلاقی پیامبران و اولیای الهی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

كَانَ اِبْرَاهِيْمُ اَبِيْ غَيُوْرًا، وَاَنَا اَغْيَرٌ مِنْهُ وَاَرْعَمُ اللّٰهُ اَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنْ

ص: ۳۰

۱-۱. معصومه صفدری، غیرت، طوبی شماره ۱۹.

۲-۲. فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۱۷۹۳.

۳-۳. محمد عثمان نجاتی، قرآن و روان شناسی، ص ۱۳۵.

۴-۴. محمدعلی سادات، راهنمای همسران جوان، ص ۱۶۴.

پدرم ابراهیم، غیور و جوان مرد بود و من از او غیورترم و خداوند بینی کسی را که اهل ایمان است، ولی غیرت ندارد، به خاک بمالد.

غیرت؛ یکی از جلوه های مردانگی

مرد، پاسدار حرمت و کرامت زن است و زمینه ساز این پاسداری و حراست از نوامیس، ویژگی ها و مسئولیت هایی است که خداوند در مردان قرار داده است. هرچه مرد بر کمالات انسانی خود بیفزاید، بر معرفت و غیرت او نیز افزوده می شود.

نقل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرد مشرکی را به خاطر غیرت ورزی اش، از کشته شدن نجات می دهد و او را می ستاید. امام صادق علیه السلام در این باره روایت می کند:

اسیرانی را به محضر پیامبر آوردند، پیامبر فرمود: «جز یک نفر، بقیه را گردن زنند». آن مرد (نجات یافته) گفت: چرا مرا از قتل رها کردی؟ پیامبر فرمود: «خداوند با پیک وحی اش به من خبر داد که در تو پنج ویژگی وجود دارد که آنها را خداوند و رسولش دوست می دارند؛ یکی از آنها غیرت و نگهبانی از ناموس است». (۲)

شهید مطهری در این باره می نویسد:

مرد بر خلاف آنچه در ابتدا به نظر می رسد، در عمق روح خود از ابتذال زن و تسلیم و بی ارادگی او متنفر است و همیشه عزت و بی نیازی و بی اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است. (۳)

ص: ۳۱

۱- ۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۰۸.

۳- ۳. شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۰۲.

غیرت، آفت‌هایی نیز دارد که یا آن را از میان می‌برد یا آن را بسیار کم رنگ می‌سازد. «اگر مرد در شهوت‌های نفسانی غوطه‌ور گردد و کمالات انسانی خود را کم از دست دهد، غیرت نیز همانند دیگر کمالات اخلاقی، نورانیت خود را از دست می‌دهد و خاموش خواهد شد. در این صورت، اگر همسرش وسیله کامجویی دیگران قرار گیرد و دست و نگاه آلوده متوجه او شود، نه تنها آزرده خاطر نمی‌شود، بلکه لذت می‌برد و افتخار هم می‌کند و حتی بیشتر از زن، در نشان دادن زیبایی‌های همسر خود به نامحرمان اصرار می‌ورزد» (۱).

غیرت اجتماعی

«جامعه اسلامی، اجتماعی به هم پیوسته است که فرد فرد این جامعه، نباید خود را تافته جدا بافته از دیگران بدانند. مردان موظفند. در برابر بی‌مبالاتی‌ها، مرزشکنی‌ها و اذیت و آزارها و حرمت‌زدایی‌های ناموسی بایستند، به گونه‌ای که ناموس اجتماع را ناموس خود بدانند و در حفظ حرمت‌ها، زنان مسلمان را مانند همسر خود بپندارند. پس تنها در چنین جامعه‌ای است که زن و دختر آنها نیز از نگاه‌های آلوده نامحرمان در امان خواهند بود و پاکی و طهارت اجتماع، باقی خواهد ماند» (۲).

از این رو، بر همه افراد جامعه فرض است که هرگز به این مرزشکنی‌ها نزدیک نشوند و زمینه حرمت‌شکنی ناموس‌ها را فراهم نکنند. امام صادق علیه السلام در تعبیری زیبا این مسئولیت‌خطیر اجتماعی را چنین گوشزد می‌کند:

ص: ۳۲

۱- ۱. نک: راهنمای همسران جوان، ص ۱۶۴.

۲- ۲. نک: فتحیه فتاحی زاده، حجاب، از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۴۱.

عَفُوا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفُّ نِسَائِكُمْ. (۱)

چشم پوشی کنید از زنان مردم تا مردم از زنانتان چشم پوشند.

پس در نظر داشتن تأثیر کارها و اینکه نگه داشتن حرمت ناموس دیگران، گاهی ممکن است به هتک حرمت ناموس خود فرد بینجامد، خود یکی از راه های ایجاد یا تقویت غیرت در آدمی است.

نقل است امام صادق علیه السلام در پاسخ مسئله ای که در آن از گناه اجتماعی می پرسند، گناه کار را متوجه محارم خود می کند و حس غیرت اجتماعی را در او برمی انگیزد. «از امام صادق علیه السلام پرسیدند: زنی می گذرد و مرد از پشت به او می نگرد. آیا این عمل مرد گناه است؟ حضرت فرمود: آیا هیچ یک از شما خوش دارد که کسی به زن یا زنان فامیل او نگاه کند؟ گفتند: نه. حضرت ادامه داد: پس برای مردمان، همان بخواه که برای خود می خواهی.» (۲)

میانه روی در غیرت

کوتاهی و زیاده روی در هر کاری، سبب منحرف شدن آدمی از راه درست و مستقیم است و او را از رسیدن به هدف الهی باز می دارد و پی آمدهای ناگواری نیز به دنبال دارد. غیرت ورزی نیز چنین است و در صورت تفریط و افراط در آن، آثار شومی دامن گیر انسان خواهد شد. زیاده روی در غیرت افزون بر آن که موجب بدگمانی شخص نسبت به ناموس او می شود، احساس شخصیت را نیز از ناموسش می ستاند.

درباره کوتاهی و بی توجهی در امر غیرت نیز در آموزه های پیشوایان اسلام

ص: ۳۳

۱- ۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵۴.

۲- ۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۴.

بسیار سخن‌ها برجاست. مردی که تحت تأثیر تبلیغات شیطانی، هویت اصیل خود را از دست داده و زن را همچون کالایی مادی می‌پندارد و شخصیت خود را در داشتن زنی که در منظر دیگران خود را می‌آراید، جست‌وجو می‌کند، به سرزنش اسلام درمی‌آید، چنان‌که امیر مؤمنان علی علیه السلام در چنین اوضاعی بر سر مردم کوفه فریاد می‌زند که: «أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَغَارُونَ؟...؟ چرا حیا نمی‌کنید، شما را غیرت نیست؟...» (۱).

وظیفه مسلمانان در پاسداری از زنان و دختران

دشمنان اسلام می‌کوشند تا زنان و دختران را از حریم عفاف و جاده سلامت به در آورده و مورد سوء استفاده قرار دهند. در مقابل، مسلمانان نیز وظایفی دارند و سکوت و بی‌تفاوتی در برابر این توطئه خانمان سوز، پسندیده نیست.

قرآن مجید به مؤمنان می‌آموزد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۲)

یعنی: ای کسانی که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اید! خود و خانواده تان را از آتش دوزخی که خود مردم و سنگها، هیزم و آتش آن است، حفظ کنید که مأموران آتش، فرشتگانی بسیار سخت دل می‌باشند که هرگز نافرمانی خدا نمی‌کنند و آنچه به آنها گفته می‌شود، فوراً انجام می‌دهند.

همچنین در آیه شریفه دیگری آمده است که در روز قیامت وقتی انسانهای ظالم را به طرف جهنم می‌برند، آنها با حالت ترس و ذلت با گوشه چشم بر آتش دوزخ می‌نگرند و در آن حال، مؤمنان خطاب به ظالمان می‌گویند: «إِنَّ الْخَاسِرِينَ

ص: ۳۴

۱- ۱. همان.

۲- ۲. تحریم: ۶.

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۱) آری زیانکاران کسانی هستند که خود و خانواده شان در امروز که قیامت است ضرر کرده اند.

این آیات و توصیه های معصومین به ما گوشزد می کند که انسان علاوه بر آنکه مسئول اعمال خویش است، باید در همه حال از کسانی که وابسته به او هستند (همچون زن، دختر، خواهر، فرزند، برادر و...) نیز مواظبت کند تا آنان را از کجروی و گناه باز دارد. در این راه، باید آنان را مورد کنترل قرار داده و از برآوردن خواسته های نابجای آنان پرهیز کند.

غیرت مداری در روایات و سیره معصومین علیهم السلام

امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت علی علیه السلام می فرماید:

يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ! بُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ؛ أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟! قَالَ الْكَلْبِيُّ: وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَغَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَ يُزَاحِمْنَ الْعُلُوجَ؟! (۲)

یعنی: ای اهل عراق! با خبر شدم که زنان شما در راه، با مردان برخورد می کنند؛ آیا حیا و شرم نمی کنید؟! مرحوم کلینی می گوید: در حدیث دیگری آمده است که حضرت فرمود: آیا حیا نمی کنید و به غیرت نمی آید که زنانتان به طرف فروشگاه ها بیرون می روند و با افراد بی ایمان و لاابالی برخورد می کنند؟!

همچنین در نامه ۳۱ نهج البلاغه از کلمات حضرت امیر علیه السلام استفاده می شود که هر چه زن کمتر از منزل خارج شود، از جهات مختلف برای او و همسرش بهتر خواهد بود. البته اگر کار ضروری و لازمی برای او پیش آید و خارج شود،

ص: ۳۵

۱- ۱. شوری: ۴۵.

۲- ۲. همان، ص ۱۷۶؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۳۷.

باید حجاب را کاملاً رعایت کند و از هر گونه حرکت ناشایستی دوری کند. اسلام، با حضور محجبه‌ها زنان در اجتماع مخالفتی ندارد و منافاتی بین کار زن و حجاب و مستور بودنش نمی‌بیند. او می‌تواند در بیرون از خانه کار کند ولی باید مسائل شرعی را رعایت کند. چنانچه حضرت امام رحمه الله‌بارها فرمودند که اگر شئون و مسائل شرعی رعایت شود، خدمت و کار زن در جامعه مانعی ندارد.

البته صفت غیرت در انسان، مانند پاسبانی است که موجب ثبات خانواده می‌گردد و غیرتمند با تعصب و حمیت و حفظ نوامیس خود، جلوی انحرافهای احتمالی را خواهد گرفت. انسان غیور نه تنها نسبت به خانواده خود بلکه نسبت به ناموس دیگران نیز حساس است؛ زیرا وظیفه حراست و پاسبانی را منحصر در اهل و عیال خود نمی‌داند بلکه در سطحی گسترده‌تر در اجتماع و حتی در سراسر جهان خود را مسئول می‌داند. او آفریده خالقی است که غیور مطلق است؛ چنان که در روایتی، به غیرت الهی اشاره شده است:

إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ لِيَغَيِّرَ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا. (۱)

یعنی: خداوند غیرتمند است و هر انسان غیرتمندی را هم دوست دارد و چون غیور است، گناهان زشت چه آشکار و چه پنهانش را حرام کرده است.

در برابر، کسانی که غیرتمند نیستند و مخالف آن مشی می‌کنند. ذلیل و خوار خواهند شد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

جَدَعَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ. (۲)

یعنی: خدا بینی مؤمن و مسلمانی را که غیرت نداشته باشد، به خاک ذلت می‌مالد.

ص: ۳۶

۱- ۱. محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ص ۵۳۵.

۲- ۲. همان، ص ۵۳۶.

البته غیرتمداری در سیره انبیا و امامان معصوم، بوضوح دیده می شود. پیامبر گرامی اسلام با تأیید غیرتمداری حضرت ابراهیم، خود را غیرتمندتر می دانند و با یادآوری آثار زیانبار بی غیرتی، از همگان می خواهند که از باب «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» از ایشان پیروی کنند:

كَانَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبِي غُيُورًا وَ أَنَا أَعْيُرُ مِنْهُ وَ أَرْغَمَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (۱)

یعنی: پدرم ابراهیم مرد غیرتمندی بود، ولی من غیرتمندترم و خداوند بینی مسلمانی را که غیرت ندارد، به خاک ذلت می مالد.

در سیره امامان معصوم علیهم السلام که کردار و گفتار آنان نه تنها سرمشق شیعیان و مسلمانان بلکه آزادمردان جهان است، آموزه های فراوانی در این باره وجود دارد؛ برای مثال، حضرت امام حسین علیه السلام، سردار غیرت و آزادی، وقتی مشاهده نمود که لشکر یزید بین او و اهل بیت جدایی افکنده اند، با بازداشتن آنها از حرکت به سوی خیمه های اهل بیت، غیرتمداری خویش را نسبت به تعرض به نوامیس خویش نشان داده و فرمودند:

أَقُولُ أَنَا الَّذِي أَقَاتِلُكُمْ وَ تُقَاتِلُونِي (۲) وَ النَّسَاءُ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ فَاْمَنْعُوا عُنَاتِكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِي مَا دُمْتُ حَيًّا. (۳)

یعنی: من با شما می جنگم و شما نیز با من می جنگید؛ زنها که گناهی ندارند. تا من زنده هستم نگذارید سرکشها و ستمکاران شما، متعرض اهل بیت من شوند.

با نگاهی به روایات و سیره معصومین علیهم السلام درمی یابیم که غیرت، از

ص: ۳۷

۱- ۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، ص ۱۷۶.

۲- ۲. در کتاب لهوف تُقَاتِلُونِي آمده است.

۳- ۳. شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۳۵۴.

نیکوترین صفات مردان است. خداوند غیرتمندان را دوست دارد و خود نیز غیور است. بی غیرت، در دنیا و آخرت، عذاب می کشد و بی عفتی نوامیس او، فساد خانوادگی، ناصالح شدن فرزندان و... نتیجه همین بی غیرتی است.

این روایت حضرت امیر علیه السلام که بی غیرت را واژگون و سیاه قلب می دانند، شایان توجه است:

إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْيَغْرُ وَ مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ (۱)

یعنی: خداوند نسبت به مؤمن غیرت دارد. او هم باید غیرت - که از صفات خدای بزرگ است - داشته باشد. کسی که غیرت ندارد، قلبش واژگون و سیاه است.

اقسام غیرت

اشاره

در یک نگاه کلی، می توان غیرت را به اقسام زیر تقسیم کرد:

الف) غیرت در دین

مسلمان تا جایی که توان دارد، باید از دین دفاع کرده و آن را از خطرهای احتمالی حفظ کند و در صورتی که لازم باشد از بذل جان و مال در این راه دریغ نرزد و در این راه نباید از سرزنش دیگران بهراسد. بسیاری از انبیا و امامان معصوم علیهم السلام و مردان صالح در طول تاریخ جان و مال خویش را در راه حفظ و پاسداری از دین، تقدیم کرده اند.

ب) غیرت نسبت به نوامیس (فرزندان و خویشان و هم کیشان)

انسان باید مراقب همسر، دختر، خواهر و هم کیشان خود باشد و آنان را از انحراف باز دارد و نگذارد در موارد غیرضروری با نامحرم در تماس باشند.

ص: ۳۸

۱- ۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، ص ۱۷۶؛ محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ص ۵۳۶.

اختلاط و روابط ناسالم عاملی در گسترش فساد و انحراف، و پرهیز از آن مورد توجه جدی اسلام و رهبران دینی است. اسلام، در عین تأکید بر حضور اجتماعی زن، آن را بدون قید و شرط، مجاز نمی داند. یکی از شرایط مهم و اساسی در فعالیت و مشارکت اجتماعی زنان، رعایت مرزبندی و حفظ حریم است. قرآن مجید، درباره عدم اختلاط زنان و مردان می فرماید:

وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ. (۱)

یعنی: هرگاه از ایشان (زنان پیامبر صلی الله علیه و آله) چیزی خواستید، از پشت پرده و حایل، طلب کنید.

هر چند شأن نزول این آیه، ویژه زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله است، ولی «مورد نزول» نمی تواند شمول مفهومی آیه را محدود کند.

بنابراین، منظور آیه یاد شده، منع اختلاط زن و مرد است. شهید مطهری رحمه الله می گوید: دستور حجاب که در این آیه آمده است غیر از دستور پوشش است که مورد بحث ماست. «این دستور راجع به سنن خانوادگی و رفتاری است که انسان باید در خانه دیگران داشته باشد. طبق این دستور، مرد نباید وارد جایگاه زنان شود...». ایشان سپس در توضیح «ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهنّ» می فرماید:

این آیه مانند آیه ۶۱ سوره نور دلالت می کند که هر اندازه مرد و زن جانب ستر و پوشش و ترک بر خوردهایی که مستلزم نظر است رعایت نمایند، به تقوا و پاکی نزدیک تر است و... (۲)

امام صادق علیه السلام درباره رعایت مرز میان زن و مرد فرمود:

فِي مَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ مِنَ الْبَيْعَةِ عَلَى النِّسَاءِ أَنْ لَا يَحْتَبِينَ وَلَا يَقْعُدْنَ مَعَ الرِّجَالِ

ص: ۳۹

۱- ۱. احزاب: ۵۳.

۲- ۲. نک: مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۵۴.

از جمله پیمان‌هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با زنان بست، این بود که در خلوت با مردان معاشرت و نشست و برخاست نکنند.

غیرت مرد مسلمان، امری ستودنی است، چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن را از نشانه‌های ایمان شمرده و فرموده است: «غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ؛ غیرت مرد و حراست او از ناموسش، جزو ایمان است» (۲).

تبادل نداشتن در غیرت، همواره تلاش‌ها را از نتیجه مطلوب و رسیدن به مقصود باز می‌دارد.

اسلام، غیرت بیجا را ممنوع کرده است؛ چنان که حضرت علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

وَإِيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ. غَيْرُهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَالتَّبْرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ (۳).

از غیرت و بدگمانی در جایی که نباید غیرت به کار برد، اجتناب کن؛ زیرا این کار، زن پاک را به ناپاکی و زن بی‌گناه را به اندیشه گناه فرا می‌خواند.

هر چند غیرتمندی بسیار پسندیده است، ولی غیرتمند باید از بدگمانی و وسوسه‌های نابجا پرهیزد؛ زیرا چنین رفتارهایی، کانون گرم خانواده را سرد و بی‌روح و خود فرد را نیز به بیماری مبتلا می‌سازد.

از سوی دیگر، بی‌تفاوتی مردان به نوامیس نیز به شدت نکوهش شده است، چنان که پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.... وَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتْرَيِّنَةً مُتَعَطَّرَةً

ص: ۴۰

۱-۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، ص ۱۷۴.

۲-۲. آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۳۷۷.

۳-۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

وَ الرَّؤُجِ بِذَلِكَ رَاضٍ يُبْنِي لِرُؤُجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ، بَيْتٌ فِي النَّارِ.

هر زنی که خود را بیاراید و خوشبو کند و از منزل خارج شود و شوهرش به این امر راضی باشد، خداوند در قبال هر قدمی که بر می دارد، برای شوهرش خانه ای در دوزخ بنا خواهد کرد. (۱)

زن مسلمان با رفتاری مناسب و متین، زمینه گسترش عفت عمومی را فراهم می آورد؛ زیرا جامعه اسلامی جامعه ای به هم پیوسته است و فرد نباید خود را تافته ای جدا بافته از دیگران تلقی کند.

انسان مؤمن، نابهنجاریهای اجتماعی را به همان سان که بر زن و ناموس خود بر نمی تابد، درباره سایر زنان مسلمان نیز تحمل نمی کند (غیرت اجتماعی). مردان موظفند در برابر حرمت شکنی ها ایستادگی کنند. امام صادق علیه السلام در تعبیری ظریف به نتیجه چنین رویکردی اشاره می نمایند:

بُرُوا آبَاءَكُمْ يَبْرِكْكُمْ أَبْنَاءُكُمْ وَعَفُوا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفَّ نِسَاؤُكُمْ.

یعنی: نیکی کنید با پدرانتان تا پسرانتان به شما نیکی کنند و چشم پوشی کنید از زنان مردم تا مردم از زنانتان چشم پوشند. (۲)

در سایه غیرت اجتماعی ضمانتهای اجرایی برای فعالیت زنان فراهم می آید و جامعه از امنیت و سلامت معنوی بهره مند می شود.

انسان غیور، در مورد تربیت فرزندان حساس است و به همین جهت از ابتدا، زنی را برمیگزیند که مؤمن و پاک دامن باشد تا وظیفه هدایت فرزندان را به بهترین شکل انجام دهد. اساساً شیر مادر و رفتار و کردار او در تکوین شخصیت فرزندان بسیار مؤثر است که در جای خود نیز، به اثبات رسیده است. انسان

ص: ۴۱

۱- ۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹.

۲- ۲. الامالی، ج ۶، ص ۲۸۸.

غیرت مدار، آمد و رفتها و دوستان و آشنایان فرزندان خود را از نظر دور نمی دارد و با حساسیتهای ویژه ای که دارد، او را در مسیر تربیت و سازندگی همراهی می کند.

(ج) غیرت در مال

انسان مسلمان، باید مالش را از راه حلال کسب کند و در حفظ و حراست آن نیز کوشا باشد و از اسراف و تبذیر و خست و بخل پرهیزد و حقوقی را که خداوند بر مال واجب گردانیده، ادا کند و در یک کلمه، با مال خود آخرت خویش را آباد گرداند. ناگفته پیداست مالی که از راه حرام بدست آید وبال گردن صاحب خویش خواهد بود و زیان آن در دنیا و آخرت به او می رسد.

ص: ۴۲

حجاب، نماد عفت و عزت زنان و از شاخص‌های مهم فرهنگ دینی و از عناصر اصلی هویت ملی ماست. بی‌شک، کرامت آدمی در گرو پای بندی به عفاف است که در پرتو آن، سلامت عمومی جامعه حفظ می‌گردد. جامعه سالم موجب رشد و بالندگی همه انسان‌ها اعم از زن و مرد می‌شود. طبیعی است آن دسته از کسانی که خود را صاحب قدرت و فرهنگ برتر می‌دانند، تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا جهان را به کیفیت مطلوب و ماندگار مورد نظر خود برسانند و از همه ابزارها استفاده می‌کنند تا فرهنگ بی‌بند و باری رواج نیابد.

از سال ۱۹۵۰م. تغییرهای دامنه‌داری در برنامه ریزی جهانی به ویژه در کشورهای صنعتی به وجود آمد. آنها معتقد بودند تا فرهنگ، رنگ اقتصادی نگیرد و حرکت خود را در مسیر رشد اقتصادی تنظیم نکند، نمی‌توانند به سود واقعی دست یابند. بدین ترتیب، نگرش آنان به فرهنگ، اقتصادی شد. در حقیقت، فرهنگ، عامل وابسته به اقتصاد گردید. این نگرش، برنامه ریزی جدیدی را ایجاب می‌کرد. در این دیدگاه، ساختن انسان اقتصادی مورد نظر است؛ انسانی که برای رسیدن به سود و لذت بیشتر، اصالت انسان یا اومانیسم را تحلیل می‌کند و در این راه، آماده دست زدن به هرگونه خشونت برای رسیدن

به لذت و سود بیشتر است. این نوع نگرش که با نگرش الهی در تضاد است، میان زن و مرد، دشمنی پدید می آورد و پایه های زن سالاری را استوار می گرداند.

در نگرش الهی که نگرش تکاملی است، زن و مرد، درمقابل هم قرار ندارند، بلکه به کمک هم می توانند به تکامل بالاتر دست پیدا کنند و در محیط اجتماعی و خانوادگی، متمم و مکمل هم دیگر شوند. جامعه الهی، جامعه ای است که نهادهای فرهنگی و ارزشی بر آن حاکم هستند و تنها از دریچه ایمان می توان به این جامعه نگاه کرد. انسانی که در این بستر فرهنگی رشد می کند، انسانی مختار، مستقل، فرهنگی، ارزشی و باتقوا است.

در حقیقت، در نظام ارزشی، نقش اول به فرهنگ داده می شود و عناصر فرهنگی چنان پویاست که به تکامل همه جنبه های انسانی کمک می کند. برای مثال، در این جامعه آنچه بتواند جلو رشد فرهنگ مادی را بگیرد، ارزش تلقی می شود. حجاب نیز به عنوان قوی ترین عامل برای کنترل رشد فرهنگ مادی، ارزش مند است. به همین دلیل، سردمداران ترویج فرهنگ مادی، بیشترین حمله تبلیغاتی خود را علیه حجاب سامان می دهند. وقتی یک خانم با حجاب اسلامی به کشورهای غربی قدم می گذارد، در حقیقت، بدون اینکه کلمه ای سخن بگوید، در تقابل با فرهنگ مادی قرار می گیرد. به همین جهت، شاید هیچ حکم اسلامی به غیر از جهاد، به این میزان با تهاجم فرهنگ مادی روبه رو نشده باشد.

حجاب، پرچم اسلام و در حقیقت، لباس عقل عملی زنان مسلمان است. دشمن برای سست کردن این ارزش در سه زمینه فعالیت می کند: نخست، پایه گذاری ارزش ها و باورهای هستی شناسی بر اساس فرهنگ بیگانه؛ دوم، وارد ساختن تفکرهای ضد ارزشی در برنامه ها و سوم، القای تحلیل های فکری جدید

و ناهماهنگ با ارزش‌ها به والدین و جوانان. و این در حالی است که زنان غربی با تفسیری که از ارزش‌ها و هویت انسانی زنان دارند، هیچ طُرُفی نبسته‌اند و روزنی به سوی نور و روشنایی نیافته‌اند، اگر فرهنگ غربی حافظ و حامی زنان بود باید امروزه ارزش زنان به مراتب بسیار بهتر از وضع کنونی آنان می‌بود. با این حال، با آنکه حجاب و رعایت موازین عفاف هیچ‌گونه محدودیتی در زمینه‌های مختلف برای پیشرفت زنان فراهم نیاورده است، شاهد کم‌رنگ شدن پوشش اسلامی در دهه اخیر هستیم. عوامل متعددی در این زمینه دخیلند که از آن میان می‌توان از عوامل زیر یاد کرد:

۱. تبیین نشدن فرهنگ ناب اسلامی

پس از انقلاب، گرایش خوبی به دین و دیانت و انجام دستورهای دینی به وجود آمد. سیاست‌گذاران کشور نیز تصور می‌کردند این فضا ادامه خواهد یافت، غافل از اینکه نسل آینده، نه طعم خواری زن در نظام طاغوت را چشیده و نه پی آمدهای بی‌بند و باری را شاهد بوده است. نسل تازه در آن دوران، یا تازه متولد شده بودند یا حداکثر ۱۰ - ۱۲ سال داشتند. بدین ترتیب، برای تبیین فرهنگ حجاب و عفاف برای این نسل، برنامه ریزی درستی صورت نگرفت. یکی دیگر از عوامل تبیین نشدن فرهنگ اسلامی، بحران‌سازی‌های متعدد دشمنان انقلاب بود که فرصت برنامه ریزی صحیح را از سیاستمداران حکومت دینی سلب کرد.

۲. تبیین نشدن فرهنگ حجاب در جامعه

استفاده نکردن از کارشناسان متعهد و متخصص، متحول نشدن کتاب‌های بینش دینی مدرسه‌ها و معارف دانشگاه‌ها، تدوین مطالب به صورت خشک و

نامناسب با طبع جوانان، سنگ اندازی بیگانگان با سست کردن اعتقادات دینی، تبلیغ آزادی غربی و ترویج فرهنگ تساهل و تسامح، سبب شده است فرهنگ حجاب به درستی در جامعه اسلامی تبیین نشود. در این میان، افرادی که دنبال زندگی بی دردسر هستند، بسیار زود به افکاری که دشمن در این زمینه القا می کند، گرایش پیدا می کنند.

۳. بالا رفتن سن ازدواج

گسترش فرهنگ مصرفی و بالا رفتن خواسته ها و وجود مشکلات دیگر سبب شده است جوانان از ازدواج خودداری کنند. طبع زن نیز تمایل دارد که زیبایی های خود را در مقابل جنس مخالف نشان دهد و اگر راه حلی که خداوند متعال در مقابل او گذاشته است، برای او کارساز نباشد، از راه های دیگری استفاده می کند و به خودنمایی می پردازد. در حقیقت، بالا رفتن سن ازدواج در پایین آمدن سطح حجاب اثر می گذارد. اگر زنان در خانواده مورد توجه همسرانشان قرار گیرند، این حس آنان تأمین می شود. از سوی دیگر، بالا رفتن سن ازدواج، عاملی برای جلوه گری و پیدا کردن همسر از راه های غیرمعمول است.

۴. نبود ساختار صحیح برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر

در نزدیک به سه دهه اخیر به سبب اینکه روش صحیح امر به معروف و نهی از منکر بیان نشد، این حکم اسلامی در حاشیه قرار گرفت. به همین علت، افراد دچار افراط و تفریط شدند. همین امر سبب شد تا دشمن از شیوه نادرست اجرای امر به معروف و نهی از منکر، علیه نیروهای متدین بهره گیرد و آنها را خشونت طلب و زورگو معرفی کند. البته در کنار تدبیرهای درونی، وجود

شیوه های بیرونی تربیت نیز ضرورت دارد و فریضه امر به معروف و نهی از منکر بیانگر مسئولیت عمومی افراد در تربیت بیرونی انسان هاست. هر انسانی همچنان که مسئول خویشتن است، مسئولیت دیگران را نیز برعهده دارد. مسلمان نمی تواند نسبت به آنچه در محیط پیرامونش می گذرد، بی تفاوت باشد. بنابراین باید با اصلاح روش ها، نسبت به کاربست کامل آن در جامعه دینی اقدام کرد.

۵. کاستی در معرفی الگوها

اسوه در لغت به معنی پیشوا، رهبر، مثال و نمونه است. (۱) در قرآن درباره زنان نمونه آمده است:

و خداوند برای مردم باایمان، همسر فرعون را مثل می زند، آن گاه که گفت: پروردگارا! مرا نزد خود در بهشت جای ده و از فرعون و کردارش نجاتم بخش و از مردم ستم پیشه رهایم ساز! (و سرمشق دیگر) مریم دختر عمران (است) آنکه دامنش را پاک نگاه داشت و ما از روح خویش در او دمیدیم و نشانه های پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرد و از پارسایان بود. (تحریم: ۱۱ - ۱۲)

در جای دیگر می فرماید:

وقتی را یاد آور که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند، تو را برگزید و پاک ساخت و بر زنان جهان برتری بخشید. (آل عمران: ۴۲)

وقتی نهادهای فرهنگی جامعه در معرفی الگو از خود سستی نشان دهند، دشمن به راحتی الگوهای خود را به جوانان و نوجوانان معرفی می کند.

الگوهای مناسب نیز اگر معرفی شوند، به علت ناآشنایی و ناپختگی جوانان و بر اثر وسوسه های فکری و جلوه گری الگوهای کاذب، اعتبار خویش را به آسانی

ص: ۴۷

از دست می دهند. این خطر فرهنگی، دختران را که احساسات آنها در اوج است، بیش از پسران تهدید می کند.

یکی از امتیازهای ادیان الهی این است که نه تنها الگو معرفی کرده اند، بلکه الگوهای آن در جنسیت های مختلف است. خدای متعال، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را آفرید تا هم الگوی زنان باشد و هم مردان؛ چنان که علی بن ابی طالب هم الگوی مردان است و هم زنان؛ چون این دو جنس، مکمل یکدیگرند. با وجود داشتن چنین الگوهایی، ما مسئولیت سنگینی بر عهده داریم. جهانیان و حتی پیروان اسلام می پرسند اینان که الگوی فاطمه زهرا علیها السلام و منابع وحی را پیش رو داشتند و زمینه نیز برایشان فراهم بود، چگونه نتوانستند جامعه زنان را به صورت علمی و خودکفا اداره کنند. چگونه حجاب اسلامی با وجود فلسفه غنی اش نه تنها گسترده تر نشده، بلکه کمتر رعایت شده است. باید دانست امروزه زنان ما دچار مسائل و مشکلات درونی هستند و تا این مشکلات از طریق مذهب پاسخ داده نشود، رفتار زنان بنیان درستی نمی یابد. تصویری که زنان در جامعه از خود دارند، تصویر درستی نیست و از آن ناراضی اند. متأسفانه زن همیشه جنسی ضعیف، عامل ارضای غرایز جنسی، موجودی انفعالی، ناکارآمد و حاشیه ای معرفی می شود. حتی زنان تحصیل کرده، با حجاب کامل نیستند و این طور القا شده است که دانشمند شدن با محجبه شدن، جمع شدنی نیست.

از جمله عوامل مهم در این راستا، معرفی گروه مرجع است. کسانی که در جامعه الگو می شوند، باید به حجاب، ارزش ها و اصول اسلام و انقلاب ایمان داشته باشند. الگو باید نسبت به دیگران، فردی برگزیده و دارای امتیاز باشد تا سزاوار امامت و رهبری خلق گردد؛ زیرا ایشان علاوه بر وظیفه آموزش و

راهنمایی، وظیفه تربیت و راهبری را نیز بر عهده دارند؛ آن هم تربیتی همگانی که شامل مستعدترین و برجسته ترین افراد جامعه نیز می شود. چنین مقامی در خور کسانی است که خودشان به عالی ترین مدارج کمال انسانی رسیده و دارای کامل ترین ملکات نفسانی باشند. (۱)

در استفاده از سرمشق، باید معیار پیروی از او را به دست آورد. به بیان دیگر، بایست روح حاکم بر افعال و اقوال الگو را شناخت تا بتوان از زوایای زندگی او به قوانین و درس های کلی و عمومی دست یافت. آنان که الگوهای اسلامی را کهنه شدنی می پندارند، پیروی از اسوه های آن را به صورتی ایستا و محدود تحلیل می کنند. فاطمه علیها السلام از عالی ترین الگوهای اسلامی است که با وجود نیاز فوری زنان ما به شناخت ابعاد اندیشه و زندگی ایشان، از آن کمتر بهره برده اند. الگو بودن زهرا علیها السلام در نوع وسایل پوشش یا امور مادی و زوال پذیر نیست، بلکه آنچه فاطمه را فاطمه کرد، اموری است زوال ناپذیر که کمتر بدان ها پرداخته می شود.

۶. کم رنگ شدن نقش خانواده ها

اگر تربیت فرزندان از خانه به مهد کودک و مدرسه منتقل شود، آن را می توان به هر جای دیگری نیز کشاند. تلاش دشمن، جدا کردن جوان از کانون خانواده است؛ زیرا بدین وسیله زمینه آسیب پذیری آنان و آمادگی شان برای اثرپذیری از القای فرهنگی دوچندان می شود. این جدایی ممکن است ظاهری یا فکری باشد. اسلام برای ارتباط عاطفی و روحی والدین با جوان اهمیت قائل

ص: ۴۹

۱- ۱. محمد تقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، قم، انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ج ۱ و ۲، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.

است. اگر جامعه پاک می خواهیم، باید خانواده را تطهیر کنیم.

کودک در پرتو ویژگی همانند شدن، بدون اراده از رفتار بزرگ سالان حتی جارو کردن مادر، روزنامه خواندن پدر و نزاع و مشاجره آنان تقلید می کند. کودک به مناسبت زود باوری و تقلید، فکر خانواده و پدر و مادر را می پذیرد و روح و روان او از این طریق تکامل می یابد. (۱)

این خواست درونی تنها به دوره کودکی محدود نمی گردد، ولی دوره نوجوانی و جوانی، از حساسیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا تا پیش از آن، هرچه را والدین مناسب می پنداشتند، او بی چون و چرا می پذیرفت. اکنون که به درستی گزینش آنان شک کرده است، درصدد برمی آید خود با حس استقلال که یافته است، آن را انتخاب کند.

والدین علاوه بر مسئولیت عام، مسئولیت ویژه ای نیز در قبال فرزندان به عهده دارند. این مسئولیت از قبل از تولد فرزند آغاز می شود و تا دوران رشد و بلوغ ادامه می یابد. رعایت آموزه های دینی در زمینه های بهداشت جسمی و روحی فرزندان و اهتمام در تربیت آنان و فراهم آوردن محیط مناسب در درون خانواده و مراقبت از آنان در محیط بیرونی، در شکل گیری شخصیت اخلاقی و روانی فرزندان، تأثیری سازنده دارد.

۷. تلاش ناکافی در ایجاد محیط سالم اجتماعی

یکی از وظیفه های اجتماعی مدیران جامعه این است که برای ایجاد محیط تربیتی سالم، نظام کارآمدی را برنامه ریزی و اجرا کنند. ساختن محیط سالم در

ص: ۵۰

مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌های جمعی، محیط‌های فرهنگی و هنری و اجرای شیوه‌های صحیح و مؤثر از اقدامات ضروری در ارتقای اخلاق اجتماعی است. ساختن جامعه سالم از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اداری و ارزش‌های حاکم، شرط ضروری در تربیت عمومی است. در جامعه‌ای که از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ناسالم باشد، جرایم و مفسدات اخلاقی فزونی خواهد یافت. اگر کسب مال از طریق مشروع، مشکل یا ناممکن باشد، به طور طبیعی، افراد بسیاری به راه‌های نامشروع روی می‌آورند. در چنین فضایی، نصیحت، تذکر و امر به معروف چندان تأثیری نخواهد داشت. مهم‌ترین وظیفه مدیران در چنین شرایطی، تلاش برای رفع مشکلات و بهبود وضع اجتماعی، تصحیح مدیریت‌ها، اصلاح اداری و تقویت بنیه اقتصادی است.

۸. ناآشنایی با فلسفه حجاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بحث علمی مناسبی در زمینه فرهنگ حجاب و عفاف صورت نگرفته است و نسل جوان با فلسفه و ضرورت حجاب، آشنایی لازم را ندارد. نشست‌های علمی علاوه بر تبیین فلسفه و ضرورت حجاب و مبانی فقهی آن می‌تواند آثار اجتماعی، روحی و روانی حجاب و رسالت انقلاب اسلامی را درباره زنان روشن کند.

گفتنی است در شیوه تبلیغی باید زبان عام‌تری را برگزینیم تا بهتر به افراد منتقل شود. شیوه‌ها باید به دور از افراط و تفریط و متناسب با سن مخاطب و تحصیلات و موقعیت فرد باشد که در این راه، کمک گرفتن از فنون روان‌شناسانه بسیار مهم است. برای رسیدن به وضعیت درست، باید خود انتقاد باشیم. در روان‌شناسی می‌گویند فرد باید قانع شود تا پای بند شود. ما تا به حال

بیشتر از شیوه های قانونی استفاده کرده ایم، ولی در کنار استفاده درست از قانون باید انگیزه درونی نیز در افراد به وجود بیاوریم.

مهم ترین آسیب ها و پی آمدهای بی حجابی

۱. عقده مند کردن مردان

جلوه گری زنان، آثار منفی روانی برای مردان و جوانان در پی دارد. اگر میل آدمی به چیزی جلب شود و به آن دست نیابد، تعادل روحی و روانی او به هم می ریزد؛ درونش ناآرام می گردد و در صورت تکرار، به عقده روانی تبدیل می شود.

۲. سقوط شخصیت زنان

حجاب، قانون فطرت است و سرپیچی از این قانون فطری، سقوط ارزشی بانوان را به همراه دارد. هر قدر زنان به خودآرایی پردازند، از تقویت و تکمیل روح الهی خود باز می مانند. بی حجابی، کلید تخریب ارزش های زنانه است.

۳. نزل خانواده ها

کشاندن مسائل جنسی از محیط خانواده به جامعه افزون بر متزلزل کردن عفت زنان، زمینه از هم پاشیدن بنیان خانواده ها را نیز فراهم می آورد. اساسا پوشش زنان سبب می شود تمتعات جنسی منحصر در خانواده باشد؛ همچنین به حفظ و حراست از کیان اجتماعی و استفاده بهینه از نیروهای فعال آن کمک می کند. در مقابل، حضور زنان بی حجاب و بدحجاب دل مردان راست کرده و ایمانشان را می رباید و چه بسا باعث رکود در فعالیت های اجتماعی می شود.

۴. بلوغ زودرس جنسی

بی تردید، بر اثر جلوه گری زنان، نوجوانان، زودتر از زمان طبیعی به بلوغ خواهند رسید و این بلوغ زودرس زمینه ساز اختلال روانی و جسمی در آنها

می شود.

۵. بدآموزی

اصولاً- فرزندان، رفتار خود را از بزرگ ترها می آموزند. اگر زنان و دختران بالغ جامعه، از شرم و حیا به دور باشند و در پوشش مناسب موی سر، بدن و زینت هایشان دقت نکنند، الگوی نامناسبی برای فرزندان جامعه خواهند بود.

ص: ۵۳

در راستای نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف، توجه به محورهای زیر قابل تأمل است:

۱. آموزش حجاب در مدارس

مدارس، مراکز تعلیم و تربیت و تزکیه اند. آموزش عملی احکام دینی، بخشی از وظایف معلم و دانش آموز را تشکیل می دهد. توصیه بدون تعلیم و تربیت، پوشش دینی را به دستور خشک و تحمیلی مبدل می سازد، ولی توصیه همراه با معرفت، پذیرش آن را آسان می کند. معرفت به حجاب، ضامن اجرا و دوام آن است. آن گاه که پوشش دینی در محیط های اجتماعی و پس از پایان تحصیلات، به شکل فرهنگ پذیرفته شده درآید، رسمیت عملی پیدا می کند.

۲. تشویق

این اصل در تربیت آدمی، کاربرد فراوان دارد. ماهیت تشویق ها متفاوت است و می تواند بار عاطفی، مالی، تشریفاتی، شغلی، سیاسی، علمی و امثال آن داشته باشد که در ترویج فرهنگ حجاب مورد استفاده قرار خواهد گرفت. اگر فردی نیازمند نوعی تشویق نباشد، باید از نوع دیگر بهره بگیریم. احترام لازم و محسوس مردم به بانوان با حیا و باحجاب جامعه سبب ترویج فرهنگ حجاب خواهد شد. همان طور که برخورد منفی با زنان بی حجاب نیز می تواند عاملی

بازدارنده به حساب آید با این شرط که حد و اندازه آن را باید رعایت کرد تا به لجاجت نیانجامد.

۳. فعالیت های علمی، فرهنگی و هنری

انتشار نشریه و کتاب، تشکیل میزگردهای ادبی، فراخوانی مقاله، تعیین موضوع حجاب برای انشا و پرسش مهر، به کارگیری هنرهای تصویری، مسابقات فرهنگی و مانند آن آثار مثبتی دارند. تولید برنامه ها و فیلم های مفید و آموزشی نیز در رادیو و تلویزیون اثری فراگیر دارد. رعایت کامل پوشش دینی بانوانی که در فیلم های سینمایی و تلویزیونی بازی می کنند یا عکسی که با پوشش اسلامی در صفحات مطبوعات به چاپ می رسد، آثار مثبتی دارد، چنان که پوشش های غیر شرعی نیز آثار زیان بار و گسترده ای بر فرهنگ جامعه می گذارد. اساسا حضور زنان پوشیده در صحنه های مختلف جامعه، آثار مثبت و چشم گیری در همگانی کردن فرهنگ حجاب اسلامی در جامعه دارد. پخش آیات، روایات و کلمات حکمت آمیز و تصاویر الهام بخش درباره حجاب در محیط های عمومی، تابلوهای شهری و محیط های مناسب دیگر نیز به تقویت این فرهنگ خواهد انجامید.

۴. تقویت فرهنگ غیرت

بی تردید، زنان با هر تفکر و عقیده ای، به نظر و سلیقه همسران خود در انتخاب های خویش از جمله لباس و وضع ظاهری توجه می کنند. از این رو، غیرت مندی مردان در نوع پوشش آن نقش بسزایی دارد. با توجه به این واقعیت، ترویج فرهنگ غیرت در میان مردان به ترویج و تحقق پوشش دینی در جامعه کمک می کند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ

أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی که هیزمش از مردم و سنگ خارا است، حفظ کنید.» (تحریم: ۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «خداوند، بینی هریک از مؤمنانی را که غیرت نمی ورزند، به خاک می مالد.»^(۱) ایشان در سخنی دیگر، غیرت را از ایمان می داند.^(۲)

۵. نظارت بر رسانه های جمعی

رسانه ها به ویژه صدا و سیما در ساختار فرهنگ اجتماعی مردم نقش مهمی دارند و می توانند با نوع برنامه های خود، آنان را به فساد یا صلاح بکشانند. کمترین تسامح در اعطای امتیاز کار فرهنگی جهت راه اندازی مؤسسه های هنری، نمایش تئاتر و فیلم و انتشار روزنامه، مجله و کتاب، به نفوذ فرهنگ بیگانه و ابتذال اخلاقی می انجامد. شرط پوشش دینی در تهیه و خرید فیلم ها و برنامه های تلویزیونی، ضرورتی انکارناپذیر است. حتی نمایش دختر بچه ها با وضع نامتناسب از سیمای جمهوری اسلامی، بدآموزی فرهنگی دارد.

برخی والدین فکر می کنند دیدن صحنه های آن چنانی در فرزندانشان تأثیری ندارد یا چون آن را درک نمی کنند، مسئله را جدی نمی گیرند. این توهمی بیش نیست. آنها این مسئله را خوب درک می کنند و از آن تأثیر می پذیرند. این صحنه ها بر روحشان تأثیر منفی می گذارد و در بزرگ سالی ظهور می یابد.

۶. فعالیت قوای سه گانه

تصویب قوانین جامع و دقیق در این زمینه در مجلس شورای اسلامی و عمل کردن بدون تساهل و تسامح قوه قضاییه به قوانین یاد شده سبب می شود فرهنگ

ص: ۵۶

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۹.

۲- ۲. همان.

حجاب ترویج یابد. قوه قضاییه سهمی مهم در حفظ سلامت جامعه دارد و اوضاع اخلاقی جامعه، کارنامه گویای این دستگاه است. نظارت جدی و دل سوزانه مسئولان دولتی بر محیط های تحت نظارت آنها نیز از جمله عوامل ترویج حجاب و پیش گیری از بدحجابی در ادارات دولتی است.

۷. احیای امر به معروف و نهی از منکر

پس از تقویت ریشه های حجاب، شناخت معروف و اجرای امر به معروف و نهی از منکر تأثیر بسزایی در کنترل اجتماعی دارد. امر و نهی دینی، تکلیف عمومی است. زن، ناموس جامعه اسلامی است و همه باید در حفظ این گوهر الهی بکوشند. جامعه دینی، هیچ گونه تساهل و تسامحی را در این راستا بر نمی تابد. بی اعتنایی در این راه پسندیده نیست، ولی وسواس و بدگمانی هم کارساز نخواهد بود. مبنای طهارت و تقوا، تربیت و ایمان است. اگر فقط ترس پشتوانه پرهیز باشد، در جایی که چنین ترسی نیست، شخص از ارتکاب محرمات پروا نخواهد داشت. پی آمد چنین فضایی، ایجاد نفاق و دورنگی و دوگانگی در معاشرت و پوشش و رفتار خواهد بود.

۸. معرفی پوشش های متناسب

یکی دیگر از عوامل فهم، تعریف درست از پوشش متناسب با سن و شرایط کاری بانوان است. الگویی که با رعایت معیارهای شرعی، آزادی عمل بیشتری را برای زنان مسلمان فراهم آورد. افزون بر این، با معرفی الگوی پوشش و تنوع دادن در آن، می توان تا حدود زیادی به نیازهای بانوان پاسخ داد.

۹. تقویت باورهای دینی با احیای فرهنگ ناب اسلامی

اگر زنی دارای باوری قوی باشد شالوده شخصیتی او نیز بر اساس همین باور

شکل می گیرد؛ چنان که حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «الْمَرْءُ بِإِيمَانِهِ» یعنی: شخصیت انسان در گرو باورهای اوست. (۱)

آن حضرت در جای دیگر می فرمایند: «وَالْمُؤْمِنُ بِعَمَلِهِ» یعنی: و ایمان انسان در عمل او جلوه گر است. (۲)

بنابراین، باید با تقویت پایه های دینی و باورهای اعتقادی، وسیله اعمال صالح را در زنان فراهم آوریم و این مسئولیت بیش از همه بر عهده متولیان مذهبی و فرهنگی جامعه است.

۱۰. باطن گرایی و سیرت گرایی به جای صورت گرایی

فراخوانی زن مسلمان به ارزشهای اصیل دینی و فراهم نمودن تمهیدات لازم برای تقویت عملی و پرورش روح ایمان و تعهد وی، نقش مهمی در این زمینه دارد. آنچه در اسلام ارزش دارد شخصیت وجودی و عظمت روح بلند انسان است و تن و نمای فیزیکی انسان منزلت والایی ندارد. حضرت مسیح علیه السلام می فرماید:

یعنی: بحق برای شما می گویم: تن چه سودی دارد در صورتی که ظاهرش درست باشد و درونش تباه. بدنهای شما چه سودتان دهد که خوشستان دارد و دلهایتان تباه باشد و سودی نبرید که پوست خود را پاک نگاه دارید و دلهای شما چرکین باشد. (۳)

متأسفانه برخی از زنان در شرایط کنونی، حتی پوشش را نیز برای خودنمایی برمی گزینند. سخن تأمل برانگیز حضرت علی علیه السلام در این مورد، کاملاً گویاست:

ص: ۵۸

۱-۱. آمدی، پیشین، ج ۱، ص ۶۲.

۲-۲. همان، ص ۶۱.

۳-۳. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۵۴۸.

تَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ هُوَ شَرُّ الْأَزْمَنِ نَسْوَهُ كَاسِيَاتٍ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٍ وَ فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٍ وَ لِشَهَوَاتِ مَائِلَاتٍ وَ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْرِعَاتٍ مُسْتَحِلَّاتٍ لِلْمَحْرَمَاتِ وَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ.

یعنی: در آخرالزمان که بدترین زمانهاست، ظاهر می شوند زنان پوشیده ای که برهنه اند (لباس دارند اما تنگ، کوتاه، نازک و بدن نما می باشد) و از خانه با خودآرایی بیرون می آیند، اینان از دین خارجند و در فتنه ها داخل و به سوی شهوات تمایل دارند و به سوی لذات نفسانی در شتابند و حرامها را حلال می دانند و در دوزخ به عذاب ابدی گرفتار می آیند. (۱)

۱۱. معرفی و شناساندن الگوهای زن مسلمان

انسان فطرتاً الگوگزين و اسوه پندیر است و دوست دارد ارزشهای باورمند خود را در چهره های مجسم دیده و همانندسازی کند. با وجود این امروزه زن مسلمان، آنچنان که باید با شخصیت های بزرگ تاریخ اسلام آشنا نشده تا دریابد که آنان چگونه با حضور توأم با وقار و متانت در جامعه اسلامی، شرافت و منزلت انسانی خویش را حفظ نمودند.

زن مسلمان با شناخت شیوه رفتاری زهرای مرضیه علیها السلام و زینب کبری و الگوبرداری از آن، بازیچه هوسها قرار نمی گیرد و عامل فسادگستری نمی شود و به حیات طیبه و پاکیزه می رسد:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (۲)

یعنی: هر کس از مرد و زن که ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد، به او حیات پاکیزه می بخشیم و پاداش آنها را بهتر از اعمالی که انجام داده اند،

ص: ۵۹

۱- ۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، ص ۱۹.

۲- ۲. سوره نحل: ۹۷.

خواهیم داد.

خداوند در این آیه، پاداش و ثواب را در برابر عمل صالح دانسته است؛ یعنی ملاک برتری، زن یا مرد بودن نیست، بلکه هر انسان مؤمنی که عمل صالحی انجام دهد، به او پاداش داده می شود و فرقی هم بین زن و مرد نیست. البته کسانی که دستورها و قوانین الهی را سرلوحه زندگی خود قرار می دهند در قرآن و احادیث از آنان، به نیکی یاد شده است. (۱)

در این میان، پیروی از اسوه ها تأثیر بسزایی در رشد و تکامل آدمی دارد و چه اسوه ای بهتر از کسی که پیامبر گرامی اسلام درباره او می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا.» (۲) یعنی: خداوند با غضب فاطمه علیها السلام غضبناک می شود و با رضایت او راضی می شود.

حضرت امام خمینی رحمه الله در خصوص جامعیت حضرت زهرا علیها السلام و الگو قرار دادن این بانوی فرشته خو می فرماید:

تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهرا علیها السلام جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است؛ یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام مشخصه انسانیّت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان، این زن معمولی نیست؛ این موجود ملکوتی است که در عالم، به صورت انسان ظاهر شده است بلکه موجود الهی جبروتی، در صورت یک زن ظاهر شده است. زنی که تمام خاصه های انبیا در او است. زنی که اگر مرد بود، نبی بود. زنی که اگر مرد بود، به جای رسول الله بود. (۳)

ص: ۶۰

۱- ۱. ر.ک: احزاب: ۳۵؛ حجرات: ۱۳؛ روم: ۲۱؛ قصص: ۷؛ آل عمران: ۴۵؛ تحریم: ۱۱.

۲- ۲. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۹۴.

۳- ۳. زن از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، ص ۸۸.

جلوه های ملکوتی، جلوه های الهی، جلوه های جبروتی، جلوه های مُلکی و ناسوتی هم در این موجود مجتمع است. (۱)

استاد شهید مرتضی مطهری نیز در تبیین عظمت و جامعیت حضرت زهرا علیها السلام می نویسد:

در تاریخ اسلام، زنان قدیسه و عالی قدر فراوانند. کمتر مردی است به پایه خدیجه برسد و هیچ مردی جز پیغمبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام به پایه حضرت زهرا علیها السلام نمی رسد. حضرت زهرا علیها السلام بر فرزندان خود که امامند و بر پیغمبران غیر از خاتم الانبیاء برتری دارد. (۲)

در مقایسه ای کوتاه بین اسلام و سایر مذاهب و مکاتب درمی یابیم که زن در اسلام، ارزش و منزلت والایی دارد. حضرت امام رحمه الله در این باره می فرماید:

آن قدر که اسلام به زن خدمت کرده است، خدا می داند که به مرد خدمت نکرده است. (۳)

اگر خداوند این اندازه برای زنان ارزش قائل است برای آن است که صلاح و فساد کشور بستگی به صلاح و فساد خانواده دارد. اگر کانون خانواده، یک محیط آرام و دور از اضطراب و دلهره باشد، زمینه برای رشد و تربیت آینده سازان فراهم می آید و مسائلی چون طلاق، جار و جنجال، اضطراب و بیماری های عصبی و روانی کاهش می یابد. البته زنان به دو دسته صالح و ناصالح تقسیم می شوند که بین این دو دسته از جهت ارزش و منزلت، فاصله بسیار است؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ خَطَرٌ لِّلصَّالِحَاتِ وَلَا لِلطَّالِحَاتِ فَأَمَّا الصَّالِحَاتُ فَلَيْسَ خَطَرُهَا الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ هِيَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ أَمَّا الطَّالِحَاتُ فَلَيْسَ

ص: ۶۱

۱- ۱. همان، ص ۹۱.

۲- ۲. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۵۰.

۳- ۳. زن از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، ص ۵.

یعنی: برای زن، ارزش و هم‌آوردی نیست؛ نه برای صالح آنها و نه برای ناصالح آنان. زن خوب ارزشش، با طلا و نقره برابری نمی‌کند بلکه بهتر از طلا و نقره است اما زن بد، خاک نیز قیمت و بهای او نیست بلکه خاک بهتر از اوست.

۱۲. توجه دادن به مسئولیت انسان در برابر اعمال خویش

توجهات غیروجیهی که از برخی بانوان غیرمتدین شنیده می‌شود (مانند: دلم می‌خواهد؛ آزادم؛ ربطی به دیگران ندارد) مردود است؛ زیرا در هیچ جای دنیا انجام هر کاری بر اساس خواهشهای نفسانی پذیرفته نیست. از آن گذشته، اگر جوان هرزه و لاابالی در برابر زنان همین حرف را بزند، در سایه آزادی این افراد، چه وضعیتی برای اینگونه از بانوان پیش خواهد آمد؟! توجه «ربطی به دیگران ندارد.» هم با فلسفه و جوب امر به معروف و نهی از منکر نمی‌سازد؛ زیرا اگر یک یا چند عنصر مخرب به پیکره نظام اسلامی آسیب وارد کنند، وظیفه همگان است تا از سرایت آن آسیب، به جامعه پیشگیری کنند و او را ارشاد و راهنمایی و در صورت عدم پذیرش تنبیه نمایند.

توجهات دیگری چون «این آقا مثل برادرم است.» یا «انسان باید دلش پاک باشد.» نیز پذیرفتنی نیست؛ زیرا در عین این که در یک جامعه اسلامی افراد خواهران و برادران دینی هستند اما باید مسائل مربوط به محرم و نامحرم رعایت شود. رعایت نکردن این امور، آسیب‌های جدی به همراه خواهد داشت.

همچنین این توجه که «این لباسها را به بازار نیاورند تا ما هم نخیریم.» نیز

ص: ۶۲

نادرست است؛ زیرا صرف وجود این اجناس در بازار، از انسان سلب اختیار نمی کند؛ به علاوه، بسیاری از اشیای نامناسب دیگر هم در بازار موجود است که انسان نباید آنها را خریداری نماید.

تفکر «در جوانی مدپرستی و در پیری خداپرستی» هم بطلانش روشن است؛ زیرا خویشستن داری انسان از گناهان، در جوانی اجر و پاداش بیشتری دارد. از آن گذشته، چه تضمینی وجود دارد که فرصت توبه به انسان دست دهد. این توجیحات یاد شده از منظر عقل و شرع پذیرفته نیست.

خداوند در کتاب هدایت می فرماید:

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَدِرُونَ. (۱)

یعنی: در روز قیامت به آنها اجازه داده نمی شود تا عذر و بهانه بیاورند.

در آن روز بر دهانها مهر زده می شود، اعضا و جوارح سخن می گویند (۲) و تمام اعمال آدمی ثبت و ضبط می شود. خداوند می فرماید:

إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ. (۳)

یعنی: بدرستی که ما تمام رفتار و کردار شما را نسخه برداری می کردیم.

وقتی انسان، اعمال و رفتار خود را مانند فیلم حاضر ببیند، نمی تواند آن را انکار کند و شرمنده کردار و گفتار خویش خواهد بود. خداوند درباره مشاهده اعمال انسان در روز جزا می فرماید:

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا. (۴)

ص: ۶۳

۱-۱. ۱. مرسلات: ۳۶.

۲-۲. ۲. یس: ۶۵.

۳-۳. ۳. جاثیه: ۲۹.

۴-۴. ۴. آل عمران: ۳۰.

یعنی: در روز قیامت هر کس آنچه از کار نیک انجام داده حاضر می‌بیند و فرد گنهکار دوست دارد میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد.

گنهکاران با دیدن کارنامه اعمال خود مات و متحیر می‌مانند و می‌گویند:

يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا. (۱)

یعنی: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی نیست، مگر این که آن را شماره کرده است.» و همه اعمال خود را حاضر می‌بینند و پروردگارت به احدی ظلم نمی‌کند.

۱۳. بازنمایی مصونیت‌ها و فواید حجاب

با بررسی آثار تمدنهای مختلف در می‌یابیم که حجاب از آداب و رسوم دیرینه تمدنهای بشری بوده است. نقوشی که از نیاکان به جا مانده، از احترام به حجاب در بیشتر قومها و ملت‌ها حکایت می‌کند:

در نقشهایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و ناامنی از ایشان نیز به نظر نمی‌رسد. (۲)

قرآن، به زنان مؤمن می‌آموزد که با پیروی از حکم پیامبر صلی الله علیه و آله پوشش‌های بلند (مانند چادر) بر خویش افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» (۳)

از مجموع آیات و روایات اسلامی برمی‌آید که زن باید خود را از نامحرم

ص: ۶۴

۱- ۱. کهف: ۴۹.

۲- ۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲.

۳- ۳. احزاب: ۵۹.

پوشیده دارد و از هرگونه رفتار و سخن و لباسی که نظر نامحرم را جلب کند، پرهیزد تا کسانی که در قلبشان طمع وجود دارد، به او تمایل پیدا نکنند. امام باقر علیه السلام در هشدار می فرماید: سخن گفتن با زن نامحرم، از دام های شیطان است. (۱)

حجاب، سدّی در برابر امیال هوس بازان است و باعث روآوری جوانان به ازدواج می شود؛ چنان که بی حجابی و بی عفتی می تواند سبب گریز جوانان از ازدواج گردد.

حجاب موجب خشنودی خداوند است؛ زیرا زن، با حجاب، جلال خود را حفظ می کند و به راستی جمال و جلال زن در حجاب اوست. حجاب وسیله ای برای گسستن بندهای اسارت نفس و رهایی از آن است؛ حجاب نشانگر حیا و پاکی روح و روان زنان است و استقلال فرهنگی و دینی یک جامعه را به نمایش می گذارد و ایمان و اعتقاد زن را به خداوند نشان می دهد.

زن با حجاب، در تیررس هواهای نفسانی ناپاکان نیست؛ در نتیجه محبوب است و محبوب می ماند. زنان با حجاب چون مرواریدی در صدف عفافند که با ارزشند و گران بها. کوتاه سخن این که زنان با حجاب تنها بنده خداوند و سبب عزّت و سرافرازی خود و خانواده شان می باشند.

با این وصف، در عصری قرار گرفته ایم که در کلام غربیان، عصر برهنگی و آزادی جنسی نام گرفته است. غربیان و غرب باوران، بی حجابی را جزئی از حقوق آزادی زنان، به حساب می آورند. به همین جهت، سخن از حجاب برای آنان ناخوشایند و گاه به مثابه افسانه ای متعلق به زمانهای گذشته است.

ص: ۶۵

به راستی کدامین راه برای زنان عزت آفرین و شخصیت آور است: آیا اگر زنان مانند عروسکی بزرگ شده به جامعه بیایند و مردان هرزه به آنان چشم بدوزند و حرمت آنان را پایین آورند و زنان درگیر مسابقه خودنمایی شوند، شخصیت آنان حفظ می شود یا این که حرمت و احترام خود را در محیط خانواده حفظ کنند؟

زنان باید با رعایت نکات و آموزه های دینی و با حساسیت خاصی در مسیر قرب و تکامل حرکت کنند و از خویشتن بانی غافل نمانند. زنان غیرتمند و مؤمن در هر حال، مراقب اعمال و رفتار و گفتار و کردار خویش خواهند بود و همواره نکاتی را در نظر دارند.

۱. نحوه سخن گفتن

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا... (۱)

یعنی: به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند بلکه سخنی شایسته بگویند... .

افزون بر نازک نکردن صدا، زنان باید محتوای کلامشان نیز نیکو باشد و از وارد شدن در هر محاوره ای جدا پرهیز کنند. اگر زنان به این آموزه قرآنی، پایبندی نشان دهند، از حوادث و زیان های مخاطره انگیز به دور خواهند ماند.

در تفسیر نمونه درباره این آیه آمده است:

بلکه به هنگام سخن گفتن، جدی و خشک و به طور معمولی سخن بگویند؛ نه همچون زنان کم شخصیت که سعی دارند با تغییرات تحریک کننده که گاه توأم با ادا و اطوار مخصوصی است و افراد شهوتران را به فکر گناه

ص: ۶۷

می افکند. (۱)

قرآن مجید، به نحوه سخن گفتن زنان توجه خاصی نموده و به دنبال نهی از خضوع و نرمش کلام، به سخن شایسته دعوتشان می کند (وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا).

۲. لباس زن در خارج از منزل

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَا يَتَّبِعِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُجَمَّرَ ثَوْبَهَا إِذَا خَرَجَتْ [مِنْ بَيْتِهَا]. (۲)

یعنی: سزاوار نیست که زن با لباس خوشبو [از خانه] خارج شود.

اسلام، به جمال زنان توجه کرده و زینت و آرایش او را برای همسر بسیار با ارزش شمرده است، اما علاوه بر آن زیبایی را در حفظ عفت و پاکدامنی می داند و آن را برای زنان شایسته می شمرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی، عفت و پاکدامنی را زینت زنان دانسته و می فرماید:

الْعَفَافُ زِينَةُ النِّسَاءِ. (۳)

همچنین در روایتی دیگر می فرماید:

مَا زَانَ اللَّهُ عَبْدًا بِزِينَةٍ أَفْضَلَ مِنْ عَفَافٍ فِي دِينِهِ وَفَرْجِهِ. (۴)

یعنی: بهترین چیزی که خداوند بنده اش را به آن زینت کرده، پاکدامنی در دین و دامن است.

بنابراین، زینت و ارزش یک زن و دختر مسلمان، به تقوا و دیانت اوست و پاکدامنی و متانت او هم از دیانت سرچشمه می گیرد. در روایات اسلامی برای بسیاری از نعمتهای الهی، زکات قرار داده شده است؛ برای مثال، زکات علم،

ص: ۶۸

۱-۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۹.

۲-۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۹.

۳-۳. نهج الفصاحه، ح ۲۰۰۸.

۴-۴. همان، ح ۲۶۰۰.

انتشار آن؛ زکات شجاعت، جهاد؛ زکات بدن سالم، روزه گرفتن و زکات زیبایی، نیز پاکدامنی دانسته شده است. روایتی از حضرت امیر علیه السلام گویای این امر است:

زَكَاةُ الْجَمَالِ الْعِفَافُ (۱)

پیشوایان معصوم علیهم السلام پوشش و عفاف و پاکدامنی را همواره مورد عنایت قرار می دادند و زنان مسلمان را به چنین خواسته ای رهنمون می شدند و با قول و فعل و تقریر، رضایت خود را از پوشش متناسب زنان اعلام می داشتند؛ چنان که در روایتی حضرت علی علیه السلام می فرماید:

در روزی تار و بارانی به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در بقیع نشسته بودم که زن سوار بر مرکبی عبور کرد. دست حیوان داخل گودالی افتاد؛ در نتیجه، زن به زمین خورد. پیامبر صلی الله علیه و آله چهره مبارکش را برگرداندند. عرض کردند: ای رسول خدا! آن زن، شلوار پوشیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه بار فرمودند: خدایا! زنانی را که از شلوار استفاده می کنند، مورد مغفرت قرار بده! ای مردم! از شلوار استفاده کنید؛ چرا که شلوار پوشاننده ترین لباسهای شما می باشد و با آن، زنانان را هنگامی که از خانه خارج می شوند، حفظ کنید. (۲)

شبهه این توصیه را حضرت علی علیه السلام نیز دارند:

عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيْقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّ مِنْ رَقِّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ.

یعنی: بر شما لازم است لباس ضخیم بپوشید؛ زیرا هر کس لباسش نازک است، دینش نیز همچون لباسش نازک و ضعیف است.

ص: ۶۹

۱- ۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۲۶.

۲- ۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۰۸؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۹ و ج ۵، ص ۲۹.

۳. کفش زنان مسلمان

در صدر اسلام، زنان عرب به پای خود خلخال می بستند که در موقع راه رفتن سر و صدای زیادی از آن برمی خاست و نظر مردان نامحرم را جلب می کرد. به همین جهت، خداوند بانوان را از این کار، که باعث تحریک بیگانه می شد، برحذر داشته و در کریمه قرآنی فرموده اند:

و لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ (۱)

یعنی: هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان معلوم شود و صدای خلخالی که برپا دارند، به گوش رسد.

در ادامه آن، آمده است:

و تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

یعنی: همه به سوی خدا بازگشت کنید! باشد که رستگار گردید.

فاضل مقداد، در کنز العرفان می گوید:

برخی از زنان عرب، خلخال به پا می کردند و برای این که بفهمانند خلخال به پا دارند، پای خود را محکم بر زمین می کوفتند و آیه، آنان را از این عمل، نهی می کند. (۲)

بدین سان آیه از هر گونه راه رفتن که زمینه توجه مردان را ایجاد کند، نهی می کند لام تعلیل (لِیُعْلَمَ)، دلالت دارد که علت کوبیدن پا به زمین، اعلام زینت می باشد؛ خواه قصد اعلام زینت وجود داشته باشد یا نداشته باشد. (۳)

مفسران با توجه به شأن نزول، سیاق و محتوا و آهنگ آیه، قاعده کلی و ضابطه عامی داده اند که نهی از کوبیدن پا بر زمین، بیانگر نهی از هر چیزی است

ص: ۷۰

۱-۱. نور: ۳۱.

۲-۲. فاضل مقداد، کنز العرفان، ج ۲، ص ۲۲۴.

۳-۳. ر.ک.: وهبه زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۱۸، ص ۲۲۱.

که توجه نامحرم را جلب کند و نگاه ها را برانگیزد و زمینه فساد ایجاد کند.

توجه به این آیه، سختگیری اسلام را در مورد حفظ عفت عمومی نشان می دهد. امروزه هم زنان بر اساس این آموزه قرآنی، باید از پوشیدن کفش های پاشنه بلند صدادار که توجه دیگران را به آنان جلب می کند، پرهیزند. افزون بر این که پوشیدن چنین کفشهایی علاوه بر ایجاد صدا که توجه نامحرمان را به سوی آنان جلب می کند، در نوع راه رفتن زنان نیز تغییراتی ایجاد می کند و سنگینی در راه رفتن را از آنان می گیرد و ناخواسته حرکات بدنی نامناسبی را موجب می شود.

۴. پاسداری از دیدگان خود و نگاه دیگران

خداوند در قرآن می فرماید:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ. (۱)

یعنی: ای رسول! به زنان با ایمان بگو چشم های خود را فرو گیرند و از نگاه کردن به مردان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را حفظ نمایند.

اساسا بسیاری از گناهان در نتیجه نگاه است و نگاه، تیری از تیرهای شیطان و وسیله ای برای انحراف و گمراهی است. وظیفه هر زن مسلمان این است که از حرکات تحریک زا پرهیزد و تا آنجا که می تواند از مواجهه و رویارویی غیرضروری با نامحرمان دوری کند. زنان و مردانی که در نهادها و ادارات و کارخانه ها و مؤسسات خصوصی و دولتی به کار مشغولند باید دقت بیشتری به این امور داشته باشند.

از این آیه استفاده می شود که چشم چرانی بر زنان نیز حرام است. حضرت

ص: ۷۱

علی علیه السلام می فرمایند:

بهترین ویژگی زنان، بدترین خصلتهای مردان است مانند کبر، ترس و بخل؛ زیرا اگر زن در برابر بیگانگان متکبر باشد، رام نخواهد شد و چنانچه بخیل باشد مال خود و شوهر را حفظ می کند و با صفت ترس، از هر چیزی واهمه دارد. (۱)

ص: ۷۲

۱- ۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۲۳۴.

مردان با غیرت و زنان با آزر و حیا باید از عفت عمومی پاسداری کنند. در حقیقت، عفت و پاک دامنی همانند پرده ای است که دو پرده دیگر؛ یعنی حجاب و حیا از آن محافظت می کنند. اگر زن در مسیر انحراف گام بردارد، ابتدا از حیا زن کاسته می شود. سپس حجاب او سست می گردد و آن گاه بی عفتی دامن گیرش می شود. در حدیث آمده است: «سَبَبُ الْعِفَّةِ الْحَيَاءُ؛ پیش در آمد عفت و پاک دامنی، داشتن حیاست» (۱). عفت در روایات از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را بهترین رفتار شمرده اند. امام باقر علیه السلام می فرماید: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ إِذْ أَفْضَلَ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ؛ خداوند به چیزی والاتر از پاک دامنی شکم و شهوت عبادت نشده است» (۲).

هویت و شخصیت خانواده در گرو پاک دامنی و عفت است. خداوند در این باره می فرماید: «وَلَيْسَ تَغْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْتَبَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ آنان که راهی برای ازدواج نمی یابند، عفاف و پاک دامنی پیشه سازند تا خداوند از فضل و رحمت خویش، آنان را بی نیاز گرداند.» (نور: ۳۴) جامعه سالم در دامن مادران پاک دامن و عقیف شکل می گیرد، چنان که در حدیث آمده است: «طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمَّهُ عَفِيفَةً؛

ص: ۷۳

۱- ۱. غررالحکم، ص ۲۵۷، ح ۵۴۴۴.

۲- ۲. کافی، ج ۲، ص ۷۹.

خوشا به سعادت کسی که مادرش عقیف و پاک دامن باشد»^(۱).

زنان پاک دامن حتی در نگاه مردان بی بندوبار و چشم چران نیز مورد احترام هستند و این، رمز تأکید بر عفت و پاک دامن زنی است. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید:

عفت در زن، وسیله ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران حتی در چشم خود مردان شهوت ران و بی بندوبار است. عفاف مخصوص زنان نیست. مردان نیز بایستی عقیف باشند منتها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت جسمانی می تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است.^(۲)

حیا، سرچشمه عفاف است و در روایت آمده است حیا هر جا باشد، به آن بها و قیمت می بخشد و فحش و ناسزاگویی هر کجا جای گیرد، آنجا را از اعتبار و هستی ساقط می کند.^(۳)

زن مسلمان با رفتاری متناسب و متین، زمینه گسترش عفت را فراهم می آورد. نباید تنها به پوشش ظاهری بسنده کرد، بلکه باید به ملکه تقوای درونی توجه شود؛ زیرا پوشش بدون اعتقاد درونی، همچون کالبدی بی روح است. پوشش، امنیت به همراه دارد و عامل مهمی برای آزادی زنان است، نه اسارت آنان. اسلام با طرح پوشش مناسب، جواز حضور زنان را در اجتماع فراهم آورده است. حضور زن در اجتماع باید با وقار و متانت آمیخته بوده و از هیجان انگیزی و ایجاد زمینه های فساد به دور باشد. زن نباید به گونه ای گام بردارد که زینت هایش

ص: ۷۴

۱-۱. بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۱۵.

۲-۲. امیرحسین بانکی پورقره، آینه زن مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری، ص ۱۵۰.

۳-۳. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۱۱.

آشکار شود و مردان را به سوی خود جلب کند.

اسلام برای سلامت جامعه و جلوگیری از ایجاد زمینه های فساد، برای حضور زن در اجتماع، شرایطی قائل شده است. وقار در سخن گفتن و سلامت نفس از آن شرایط است. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلَعْنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ؛ هرگاه زنی برای غیر شوهرش خود را معطر کند و از خانه اش خارج شود، تا زمانی که به خانه برمی گردد، لعنت می شود.»^(۱) همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ فِي النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ؛ خداوند، مردهایی را که شبیه زنان شوند و زن هایی را که شبیه مردان شوند، لعن کرده است.»^(۲)

ص: ۷۵

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۴.

۲- ۲. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۸.

۱. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات امام عصر (عج)، ۱۳۸۰.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۴.
۳. الجزری، عزالدین ابن الاثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بی جا، دارالشعب، بی تا.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۵. ترجمه شرح نهج البلاغه ابن هیثم، ترجمه: قربانعلی محمدی مقدم، علی اصغر نوایی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چ اول، ۱۳۷۵.
۶. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش، ۱۳۵۹.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، کتابچی، ۱۳۷۱.
۸. خواجه عبدالله انصاری، مجموعه رسائل فارسی، به کوشش محمد سرور مولایی، انتشارات توس، تهران، چ دوم، ۱۳۷۷.
۹. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرر و دررآمدی، تحقیق: محدث ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
۱۰. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۱۲. رشیدالدین فضل الله میبدی، کشف الاسرار، به کوشش علی اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، چ سوم، ۱۳۶۱.
۱۳. فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، قم، بوستان کتاب، بی تا.
۱۴. فنایی اشکوری، محمد، منزلت زن در اندیشه اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۷.

۱۵. قشیری، ابوالقاسم، ترجمه رساله قشیریه، به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی تهران، چ چهارم، ۱۳۷۴.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، انتشارات علمی اسلامی، بی تا
۱۷. کمالی، علی، قرآن و مقام زن، تهران، امیری، ۱۳۷۳.
۱۸. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۷۲.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دارالرضا، ۱۳۷۷.
۲۰. -----، مرآه العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۷۴.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۳. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، قم، صدرا، ۱۳۷۰.
۲۴. مغازی، محمد بن عمر واقدی، تاریخ جنگ های پیامبر، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
۲۵. مفضل بن عمر، توحید مفضل، ترجمه: علامه مجلسی، تهران، کعبه، ۱۳۶۲.
۲۶. منتسکیو، روح القوانین، ترجمه: علی اکبر مهتدی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.
۲۷. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۳۶۶.
۲۸. واقدی، کاتب، طبقات، ترجمه: دکتر محمد مهدوی دامغانی، انتشارات فرهنگ و اندیشه، تهران، چ اول، ۱۳۷۴.
۲۹. ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

